

## بحران رهبری حکومت اسلامی و «نسخه شفا بخش مجلس خبرگان» !

محاکمه متنظری دادواین حکم روی هوا ماند، معلوم شد قضیه عدم صلاحیت و بی اقتداری آقای ولی فقیه بسیار عمیق تر این حرفا است. جانبداری سینه چاکان خامنه‌ای و برافروختگی آنها که در بیاناتی از این قبیل انعکاس می‌یافت "انقاد از رهبری جایز است اما معناش این نیست که هر بی سر و پائی قداست رهبری این سید اولاد پیغمبر و نایب امام زمان (عج) را زیر سئوال ببرد" و "اگر کسانی واقعاً پیشنهاد و انقاد و یا اشکالی نسبت به رهبری دارند میتوانند مطلب خود را به هیئت تحقیق مجلس خبرگان و یا دبیر خانه اینها در فراغ ارجاع دهند"<sup>(۱)</sup> (نیز کاری از پیش نمی برد و کوشش این سینه چاکان و سایر طرفداران خامنه‌ای اعم از دستگاه‌های حکومتی و مخالف و تشکلهای سیاسی و مذهبی تا افاده و شخصیت‌های باصطلاح با نفوذ در طول یک ساله اخیر چه برای التیام این جراحت و زخم عمیق آقای خامنه‌ای چه به منظور اعتبار سازی و اقتدار تراشی برای او، کم ترین فایده ای نباشد.

اگر بحران رهبری حکومت اسلامی با جلوس خاتمی بر مسند ریاست جمهوری تشدید می‌شود، طولی نمی کشد که یافتن راهی برای حل این بحران نیز به مشغله ذهنی جناح‌های حکومتی تبدیل می‌گردد. وقتی که ولی فقیه و رهبر حکومت اسلامی "صلاحیت علمی"، صفحه ۳

پیش از یکسال از قضیه انتخابات ریاست جمهوری و شکست کاندیدای روحانیت مبارز گذشت است. این شکست، شکست فقط روحانیت مبارز و موتلفین آن در چنگ آوردن قوه مجریه نبود. مفتخض شدن ولی فقیه و رهبر حکومت اسلامی هم بود. رهبری که ولو در گذشته هم حمایت خود را از جناح شکست خورده پنهان نکرده بود، اما این بار مستقیم و ب بواسطه وارد فقیه را به پشتوانه این موضوع برسردست گرفته در این قمار از دست داده بود. بدین ترتیب ضربه سخت وستگینی که بر راس و ستون اصلی نظام وارد آمده بحرانی که پروسه زائل شدن اتوریته سیاسی را تسربی میکرد.

برمتن این بحران و زیر سئوال رفتن اتوریته سیاسی حکومت است که نیروهای حامی خاتمی، موضوع محدودیت اختیارات و دوران ولایت ولی فقیه و نیز بحث‌های دیگری نظیر بازگردانی و حذف قانون نظارت استصوابی شورای نگهبان را مطرح می‌کنند و حتی این مسائل و اعتراض و انقاد به دولی فقیه، در محدوده این نیروها هم باقی نمی‌ماند. نیروها و افراد دیگری نظیر آذربایجانی و منتظری هم صدایشان در می‌آید تا آنجا که منتظری بی هیچ پرده پوشی صلاحیت خامنه‌ای را در جایگاه ولی فقیه و رهبر حکومت اسلامی نمی‌مینند.

عکس العمل های تند و خشن جناح خامنه‌ای در برابر این مسائل اگرچه صدای این "منتقدین" و "معترضین" را خاموش می‌کند، اما نه فقط بحران رهبری را حل نمی کند که اتفاقاً آنرا تشدید هم می‌کند. وقتی که خامنه‌ای مجبور شد در مورد قضیه نجف‌آباد و یک آدم ساده لوح خود یک تنه وارد میدان شود و حتی حکم به

سیطره دارو دسته اسلامگرای موسوم به طالبان برمزار شریف و دیگر مناطق شمال افغانستان و شکست اسلام گرایان مورد حمایت جمهوری اسلامی، به منازعه و درگیری میان دو دولت مرتعج اسلامی حاکم بر ایران و افغانستان ابعاد نوینی بخشیده است. طی یکماه گذشته تنش میان این دو دولت پیوسته بالا گرفته است تا بدانجا که سران جمهوری اسلامی رسماً و علناً به طالبان اولتیماتوم داده، و به تهدید نظامی متولی شده اند. و خامت اوضاع اکنون به مرحله ای رسیده است که جمهوری اسلامی یک نیروی حدود ۷۰ هزار نفری را در مرز افغانستان مرکز نموده است. روز ۱۰ شهریور مانور گسترده ای به نام مانور عاشورای ۳ با شرکت ۷۰ هزار نیروی نظامی در نزدیکی مرز افغانستان برگزار شد و پس از پایان این مانور اعلام گردید که این نیروی نظامی در مرز باقی خواهد ماند. سران نظامی رژیم، این مانور را اتمام حجت به طالبان خوانندو تهدید نمودند که اگر لازم باشد این نیرو به فوریت دست به اقدام خواهد زد. سران جمهوری اسلامی و روزنامه های واپسیه به دستگاه حکومتی کوشیده اند این تمایلات جنگ طلبانه را با قضیه ناپدید شدن ۱۱ دیپلمات کنسولگری جمهوری اسلامی در مزار شریف بهمراه خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی مرتبط دانسته و به توجیه آن بپردازنند. اما پرواضح است که این رویداد صرفاً دستاویزی برای مقاصد جنگ طلبانه جمهوری اسلامی است. چرا که جمهوری اسلامی همواره در جنگهای داخلی افغانستان نقش فعال داشته و طی چهار سال گذشته از حامیان اصلی ائتلاف ضد طالبان بوده است. در عین حال مطبوعات رژیم طی چند روز گذشته کوشیده اند، سیاست جنگ طلبانه جمهوری اسلامی را با توجیهات عامه پسندتری همراه با اعلت تشدید مخاصمات را ماهیت فوق ارجاعی نمایند. ماهیت فوق ارجاعی و قرون وسطایی اسلامگرایان موسوم به طالبان بر کسی پوشیده نیست، اما چه کسی میتواند انکار صفحه ۲

### ازمیان نشریات

مناقض نمونه، نمونه تحریف!  
صفحه ۲

### دراین شماره

- |             |                                                                        |        |
|-------------|------------------------------------------------------------------------|--------|
| ۱۴          | اعتراض فدراسیون شیمی FO به اقدامات ضدکارگری رژیم علیه کارگران صنعت نفت | صفحه ۱ |
| ۱۳          | تجاور جنسی نظامیان و اسلامگرایان به زنان در اندونزی                    | صفحه ۲ |
| ۸           | پیام به کنگره سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران                           | صفحه ۳ |
| ۱۴، ۹، ۶، ۲ | اطلاعیه های سازمان                                                     | صفحه ۴ |
| ۱۵، ۶       | اطلاعیه های مشترک                                                      | صفحه ۵ |
| ۱۱          | گزیده ای از نامه های رسیده                                             | صفحه ۶ |
| ۱۱          | اخبار کارگری جهان                                                      | صفحه ۷ |
| ۹           | اخبار از ایران                                                         | صفحه ۸ |
| ۱۶          | یادداشت های سیاسی                                                      | صفحه ۹ |



## مودم ایران اجازه ماجراجویی نوینی

### را به جمهوری اسلامی نخواهد داد

**مودم مبارز ایران!**

جمهوری اسلامی که در جریان جنگ هشت ساله با عراق، صدھا هزار تن از مردم ایران را فدای مقاصد توسعه طلبانه و جاه طلبانه خود نمود، بار دیگر در تاریک ماجراجویی نظامی نوینی برآمده است.

طی روزهای اخیر تنش میان جمهوری اسلامی و طالبان حاکم بر افغانستان، ابعاد وسیع تری بخود گرفته، سران جمهوری اسلامی یکی پس از دیگری به تهدید و اولتیماتوم متول شده و دھها هزارتن از نیروی مسلح جمهوری اسلامی که تعداد آنها دقیقاً ۷۰۰۰ تن گزارش شده است، در مراتزهای افغانستان مستقر شده اند. تحت چنین شرایطی اختلال و قوع جنگ میان دو دولت ارتقای - اسلامی حاکم بر ایران و افغانستان، هر دو افزایش می یابد. جمهوری اسلامی که برخلاف خواست، منافع و مصالح مردم ایران، سالها در برافروختن جنگ داخلی در افغانستان نقش فعال داشت و با صرف میلیاردها دلار حاصل دسترنج کارگران و زحمتکشان به سازماندهی و حمایت از گروههای ارتقای ظاسلامی افغانستان پرداخت، در پی سلطه گروه اسلامگرای مرتजع دیگر به نام طالبان بر مزار شریف، موقعیت رامغتمم شمرده تا با دستاوری قرار دادن ماجراجویی ناپدید شدن گروهی از دیلمانهای خود، جنگ جدیدی برافروزد.

این اقدامات ماجراجویانه جمهوری اسلامی که میتواند تا حد یک جنگ منطقه ای گسترش پیش رود، کاملاً مغایر منافع توده های مردم ایران و افغانستان است. در این جنگ نصیب مردم ایران همان کشتهار و فلاتک و آواره گی و ویرانی خواهد شد که در جریان جنگ با عراق پیش آمد. مسئله دیلمانهای مفقود شده حکومت اسلامی در افغانستان چیزی جز یک دست آوری نیست. جمهوری اسلامی که با بحران و خیم اقتصادی و سیاسی روپرورست و اعتراض مردم علیه این رژیم دانما افزایش می یابد، در تلاش است توجه مردم را از مسائل و معضلات داخلی منحرف و با دستاوری جنگ مردم را سکوب کند. در عین حال جمهوری اسلامی بخاطر اهداف و مقاصد توسعه طلبانه، جاه طلبانه و پان اسلامیستی خود ابائی نتارد که میتوانند از مردم ایران و افغانستان را کشتهار کنند.

**مودم مبارز ایران!**  
درگیری میان حکومت اسلامی ایران و افغانستان که میتواند تا مرحله یک جنگ تمام عیار پیش رود، درگیری میان دو دولت ارتقای است که تنها شره اش کشتهار مردم ایران و افغانستان است. با مخالفت و اعتراض گسترش خود، اجازه نهید که جمهوری اسلامی فجایع عظیم جنگ با عراق را دو باره تکرار کند.

سازمان فدائیان (اقلیت)

۱۴/۶/۱۳۷۷

کار - فان - آزادی - حکومت شورائی

## منازعه حکومت های اسلامی ایران و افغانستان

کند که اینان کپیه برادران ایرانی خود در افغانستان هستند؟ چه کسی میتواند انکار کند که امیر المؤمنین طالبان افغان، همان آمال و آرزوهای ارتقای را نمایندگی میکند که خمینی و دیگر سران حکومت اسلامی حاکم بر ایران داشته اند؟ طالبان امروز در افغانستان همان جهنمی را بنا میکند که پاسداران حکومت الله در ایران کردند. همان اقدامات ارتقای مذهبی را عملی میکند، که سران حکومت اسلامی حاکم بر ایران کردند. طالبان البته میتواند تحسین مرتعین حاکم بر ایران را از اینجهت نیز بر انگیزد که آنچه جمهوری اسلامی بخاطر مبارزه و مقاومت مردم ایران نتوانست عملی کند، آنها را هم عملی میسازد. لذا مسخره است که مطبوعات رژیم، منازعه حکومتهای اسلامی ایران و افغانستان را به مخالفت جمهوری اسلامی ایران با اقدامات اسلامی طالبان نسبت دهدن. علت تشید منازعه جمهوری اسلامی و طالبان حاکم بر افغانستان که حکومت خود را امارات اسلامی افغانستان مینامند، نه بر سر قضیه ناپدید شدن دیلمانهای حکومت اسلامی ایران، نه مخالفت گروههای اسلامی با اقدامات اسلامی طالبان، بلکه در مسائل دیگری نهفته است. جمهوری اسلامی طی چندین سال گذشته، میلیاردها دلار حاصل دسترنج کارگران ایران را صرف سازماندهی و تقویت گروههای ارتقای اسلامی طرفدار خود در افغانستان نمود، تا از اینطریق یک حکومت اسلامی دست نشانده خود در افغانستان بر سر کار آورد، یا لااقل طرفدارانی در حزب الله لبنان داشته باشد. و از آنطریق سیاستهای خود را پیش برد. اما توفیقی بدست نیاورد. با پیدایش طالبان در سال ۱۳۷۳ که از حمایت و پشتیبانی پاکستان، عربستان و آمریکا برخوردار بوده اند، جمهوری اسلامی فرصت را برای سرمایه گذاری روی دولت ریانی - حکمتیار مناسب دید و با حمایتهای کلان مالی، تسليحاتی و تدارکاتی از ائتلاف ضد طالبان، تلاش نمود به یک نیروی تاثیرگذار مهم در جنگ داخلی افغانستان تبدیل شود. پیش روی های طالبان، سقوط کابل و اخیراً مزارشریف، تمام امید جمهوری اسلامی را به پاس تبدیل نمود. رژیم گروههای اسلامی افغان و پشتیبانان بین المللی آنها در مرتع افغان و پشتیبانان بین المللی آنها در آمده است. طبیعی است که تحت چنین شرایطی حادترین درگیری و منازعه را با طالبان داشته باشد، و برای جبران شکستهای خود، مستقیم تر به رو در روئی با طالبان پردازد. البته عوامل دیگری نیز در تشید مخاصمات موثرند که یکی از آنها رقابت دو دولت مذهبی بینادگراست که یکی سنی مذهب و دیگری شیعه است. جمهوری اسلامی، مدتی تلاش نمود تا در کنار خود یعنی در افغانستان یک رژیم مذهبی متمایل به حکومت مذهبی حاکم بر ایران بر سر کار آورد، اما

توده های مردم ایران و افغانستان را تهدید کند. جمهوری اسلامی هم اکنون نیروهای نظامی خود را در مرز با افغانستان مستقر ساخته و طالبان را تهدید به جنگ میکند. البته بعید بنظر میرسد که جمهوری اسلامی بتواند تهدیدات خود را عملی سازد، چرا که از یکسو توان ادامه جنگی را که قطعاً فرسایشی خواهد بود ندارد و از سوی دیگر مردم ایران اجازه نخواهد داد که جمهوری اسلامی پس از جنگ با عراق و کشتهار صدھا هزار تن از فرزندان مردم، به جنگ دیگری متولی شود. با این همه نمیتوان انکار کرد که تحت شرایط موجود، یعنی در شرایطی که رژیم با بحرانهای همه جانبیه روبروست، ممکن است برای سروپوش گذاردن براین بحرانها، دست به یک ماجراجویی نظامی بزند. در هر حال مردم ایران مخالف جنگ اند و از هم اکنون میدانند که درگیری میان جمهوری اسلامی و رژیم حاکم بر افغانستان، ربطی به منافع مردم ایران و افغانستان نداشته و ندارد.

اکنون سنی مذهبانی بر حکومت افغانستان چنگ انداخته اندکه متمایل به وهابی های عربستان اند و کاملاً تحت نفوذ پاکستان قرار دارند علاوه بر این همانندجهوری اسلامی ایران ادعای های عریض و طویل دیگری هم در مورد رهبری مسلمانان و استقرار حکومتهای مذهبی دارند که با مقاصد توسعه طلبانه و هژمونی طلبانه جمهوری اسلامی در تضاد قرار گرفته است. مغض جمهوری اسلامی اکنون از این هم فراتر رفته است. با سلطه طالبان تقریباً بر تمام افغانستان و با وجود مرزهای طولانی میان ایران و افغانستان، جمهوری اسلامی به شدت از تاثیر طالبان بر سنی مذهبان مناطق مرزی ایران بینانک است. اینهاست آن علل و عوامل اصلی که توضیح دهند تشید منازعه میان جمهوری اسلامی و امارات اسلامی افغانستان است. با توجه به اینهاست آن علل و عوامل اصلی که توضیح دهند تشید منازعه میان جمهوری اسلامی و امارات اسلامی افغانستان است. با توجه به نظر میرسد که لااقل در کوتاه مدت تنش میان این دو دولت پیوسته بالا بگیرد و خطرات جدی،

حران رهبری حکومت اسلامی و « نسخه شفا بخش مجلس خبرگان » !

رهبری قرار میگیرد مجلس خبرگان حرف اول را برای بروند رفت از بحران میزند." (۱۱)

آیا بحران رهبری مرتفع و  
«آبروی نظام» حفظ خواهد شد

آیا بحران رهبری مرتفع خواهد شد؟ آیا آبروی نظام حفظ خواهد شد؟ در این مورد باید گفت تا آنجا که به جناح های حکومتی مربوط میشود، آنان قلباً و عقلًا خواهان بروون رفت از بحران رهبری و خواهان ثبات و حفظ نظام ولایت فقهی اند و بی آبرویی و بی اعتباری حکومت در انتظار مردم را بهیچوجه متضمن منافع و بقای خویش نمی بینند. علاوه بر این آنها این مستله را خوب میدانند که اگر راهی برای تخفیف و مهار کشمکش های خویش نیابند و خود را طرفدار "انتخابات" و "مشارکت مردم" و امثال آن جانزند و دائمًا "حرفهای امثال صبحای یزدی، یزدی و صفوی را تکرار کنند، چه بسا که اوضاع را وخیم تر کرده و عکس العمل های تند و شدیدی را در میان مردم برانگیخته و کل نظام را به خطر بیناند. با اینهمه مستقل از تمایل قلبی و عقلی جناح ها باید دید که سر انجام این "آبروی نظام" چگونه حفظ میشودو بحران چگونه حل میشود؟ جناح مسلط آیا اجازه خواهد داد به سلطاش در مجلس خبرگان توسط جناح رقیب پایان داده شود؟ و اکثریت آن را از دست بدهد یا حتی حاضر است کرسیهای این مجلس را به دو نیمه مساوی، تقسیم کند؟

اینکه جناح مسلط حکومتی با دست خویش، خود را از اکثریت مجلس خبرگان ساقط کند بسیار بعید است. بنابراین اگرکه حذف اختیارات شورای نگهبان عنوان مرجع تشخیص صلاحیت نامزدها و حذف قانون نظارت استصوابی این شورا، بمعنی ورود افرادی از ائتلاف رقیب است و این احتمال وجود دارد که کنترل شمار ورود این افراد از دست در برود، بنابراین بدیهی است که جناح مسلط حکومتی چنین رسیکی را نکند. از اینرو بسیار بعید است که به این خواست رضایت دهد. روند کشمکش ها و مناقشات میان جناحها در یکساله گذشت، نه فقط چنین تصوری را به ذهن متبار نمیکند، بلکه "کاملاً" بر عکس، خلاف این تصور را نشان میدهد. میدانیم که خواست لغو قانون نظارت استصوابی شورای نگهبان، از قبل هم مطرح بوده و در مقطع انتخابات میان دوره‌ای مجلس نیز، در ابعاد وسیعی بمیان کشیده شده و تلاشهای زیادی نیز برای به کرسی نشاندن آن بعمل آمد، اما این تلاشها نه فقط نتیجه‌های نجاشید، بلکه جناح مسلط را در اتخاذ موضع و شیوه‌های تهاجمی در برخورد به رقیب، جری تر کرد، تا آنجا که برخی از افراد و جریانهای حامی خاتمی، یکی از دلائل اصلی استیضاح و برکناری وزیر کشور را کوشش‌های وی در راستای لغو این قانون نذکر کردند. محمد سلامتی دبیر کل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در این مورد گفته بود که "دور زارت کشور حرکت‌های برای اصلاح روند انتخابات مجلس خبرگان در جریان بود و قرار بود که این وزارت لایحه‌ای برای حذف نظارت استصوابی شورای نگهبان را ارائه دهد که یکی از اهداف مخالفان وزیر کشور، ناکام گذاشتن این حرکت بوده است" دفتر تحکیم وحدت نیز در بیانیه‌ای "برکناری وزیر کشور را نگرانی جریان انحصار طباز احتمال بالای شکست خود در انتخابات خبرگان رهبری" دانست (۱۲) بنابراین

تعداد آر! (برغم افزایش تعداد واجدین شرایط یک سوم تعداد آر! کاسته شده است) این مسئله را موضوع قابل تأمل میدانواد اصلی ترین و عمدۀ ترین عامل عدم شرکت مردم در انتخابات خبرگان دوم را مصوبه خوداین مجلس درخصوص نحوه تعیین افراد واجد شرایط برای شرکت در انتخابات خبرگان میداند. در مبنای این مصوبه مرجع تشخیص نامزدهای واجد شرایط منحصر فقهای شورای نگهبان اند و مسئله انتظار بر انتخابات نیز بر عهده شورای نگهبان میباشد.

نکته اصلی و موضوع محوری نامه آقای کروبی هم  
همین مسئله است . او در نامه خود قید کرده است  
که این مصوبه نه فقط موجب عدم استقال مردم از  
انتخابات شده است ، بلکه شورای نگهبان باستفاده  
از آن انزو را افراد وابسته به سایر جناحها جلوگیری  
نموده و این مجلس را بانحصار جناح خویش درآورده  
است . کروبی مثالی هم در این مورد می آورد و می  
نویسد در تهران از ۱۶ نفر وابسته به جناح  
شورای نگهبان هستند . خلاصه آنکه آقای کروبی ضمن  
کلایه ، نصیحت و انتقاد در پایان نامه خواستار آن می  
شود که مجلس خبرگان ، تغییر مرجع تائید صلاحیت  
نامزدهای مجلس خبرگان را در دستور کار خود قرار  
دهد خود نیز پیشنهاداتی مبتنی بر همین تغییر مرجع  
صلاحیت نامزدها و در نظر گرفتن نظر مراجع و سایر  
مجتهدین و کارشناسان مذهبی خارج از شورای  
نگهبان ، ارائه میدهد

بدینوال این پیام دلسویانه "برادرانه" است که ما شاهد  
یکرشته نشست و برخاست ها و گفتگوهای میان سران  
و جناح اصلی حکومتی هستیم و میشونیم که "کروبی  
بیرون مجمع روحانیون مبارز در نشستی به دعوت  
مامی کاشانی دیرچه امعده روحانیت مبارز با حضور  
علی اکبر ناطق نوری پیرامون هماهنگی های دو جانبی  
و حتی ارائه لیست مشترک برای انتخابات مجلس  
خبرگان مذاکراتی داشته است" (۷)

می شنویم که "اعضا جامعه مدرسین حوزه علمیه به همراه آیت الله مشکینی رئیس مجلس خبرگان شب  
ول مردادماه با خاتمی دیدار داشته اند." (۸) گرچه این مذکورات و گفتگوها کوبه دعوت جناح مسلط  
حکومتی صورت میگیرد خود نوعی کشمکش است و کشمکش هایی را نیز بدبانی دارد و ظاهرا هنوز به  
نتیجه ملموسی نرسیده است اما مالی روابیدها، آشکارا  
از تمایل دو جناح برای توافق و معامله حکایت می  
کند. وقتی که پای حفظ نظام و پای آبروی نظام در  
بیان است، وقتی که بحران در راس حکومت جدی  
ست، وقتی که بحران رهبری واقعی و جدی است و  
وقتی حتی خود جناح روحانیت مبارزه هماین واقعیت  
را پذیرفته و با آن اتراف میکند، پس برای بروز رفت از  
بحران و یافتن "نسخه شفا بخش" (۹)، حاضر است  
پیش قدم هم بشود و دست دوستی و یک دلی و یک  
رنگی هم (۱۰) بسوی برادران خود دراز کند. رضا  
تقوی از اعضاء مرکزی جامعه روحانیت مبارز میگوید  
که این "جامعه از چهار ماه پیش بحث خبرگان را در  
ستور کار خود گذاشته و در این زمینه با جامعه  
مدرسین حوزه علمیه قم هم مشورت‌هائی کرده است"  
وی در ادامه چنین میگوید "خبرگان ممیشه در بحران  
رهبری نسخه شفا بخش را صادر میکند. باید این  
واقعیت را پذیرفتم که هر وقت جامعه بچار بحران

اتوریتت و اقتدار لازمه را برای انجام وظائف خویش ندارد ، تکلیف چیست و چه کسی بایستی به این مسئله رسیدگی کند ؟ مجلس خبرگان رهبری . چنین است که مجلس خبرگان و انتخابات مجلس خبرگان به مرکز مناقشه تبدیل میشود .

جنابهای حکومتی در همان حال که بر نقش و اهمیت مجلس خبرگان و انتخابات آن که مرحله ثبت نام دادو طلبین آن زاد ششم ماه جاری آغاز شده و رای گردی آن قرار است روز اول آبان (۲) برگزار شود، تاکید میکنند از مدت‌ها قبل تلاش های خویش را برای آنکه سهم بیشتری از این مجلس را بخود اختصاص دهدن آغاز کرده اند. اگر برخی افراد و جریان‌های تشکیل دهنده ائتلاف خاتمی برای در آوردن مجلس خبرگان از انصصار روحانیون چانه میزنند، و اگر کل این ائتلاف برای دست یابی به سهم خویش و در آوردن مجلس خبرگان از انصصار جناح مقابل، اختیارات شورای نگهبان در تشخیص صلاحیت نامزدها و نظارت بر انتخابات را زیر سؤال میبرد و بحضور مردم در صحنه و انتخابات تکیه میکند تا از آنجا هم پلی به "انتخابی" بودن رهبر و ولی فقیه بزند! در عوض کسانی از جناح خامنه‌ای هم، حضور غیر روحانیون و غیر مجتهدین در مجلس خبرگان را مردود (۳) دانسته و با اظهار بیاناتی از قبیل اینکه "رهبر و ولی فقیه مجتهدی است که از سوی امام زمان منصوب شده است، و کار خبرگان این است که این مجتهد را که از سوی امام زمان منصوب شده است کشف کنند نه اینکه او را به وکالت از طرف مردم انتخاب کنند، بلکه رهبر منصوب از طرف خداست" (۴) و "این خبرگان نیستند که ولایت را به رهبری میبخشدند بلکه آنها تعیین مصدق می‌کنند. اعتبار رهبر از تاحیه امام معصوم است و خبرگان یک دستگاه بینه سیستماتیک است" (۵) آب پاکی روی دست جناح خاتمی مبریزند! برغم این بر خوردها اما بحران رهبری واقعیتی است که جناحها را به اذاعان و چاره اندیشه و امیدار. از همین جاست که کروبوی دبیر مجمع روحانیون مبارز اصلی ترین جریان حامی خاتمی، "برای سربلندی نظام" برای آنکه "هم شاهد رفاقتی شور انگیز باشند" برای "تأمین حضور مردم" و برگزاری "انتخاباتی آبرومند" به هیئت رئیسه مجلس خبرگان نامه مبنی‌بود.

نامه کروبی به هیئت رئیسه مجلس خبرگان (۶)

کروبوی در نامه مفصلی که به هیئت رئیس مجلس خبرگان مینویسد، از زاویه حفظ نظام اسلامی و جلب اعتماد مردم به این نظام، ضمن هشدار و تصریحات، به طرح پیشنهاداتی نیز پرداخت است. آقای کروبوی در نامه خود، کوچکترین خدشه در انتخابات خبرگان و اعمال نظر شخصی و گروهی را سبب بی علاوه‌گی مردم میداند. وی تأکید میکند که این موضوع، هم موجب مستله دارشدن و مایوس گشتن مردم شده و هم سبب عدم مشارکت آنها در انتخابات میشود. وی بعد از این هشدار به جناح مقابل با گفتن اینکه در دوره اول مجلس خبرگان (سال ۶۱) از حدود ۲۳ میلیون واجدین شرایط رای دادن، ۱۸ میلیون در انتخابات شرکت کرده اند. و در دوردوم (سال ۶۹) از ۳۱ میلیون واجدین شرایط حدود ۱۲ میلیون شرکت کرده اند، ضمن اظهار تأسف از کاهش چشمگیر

آن گرفته تالنصار حزب‌الله سایر تشکلهای ونهادهای حامی اورا بی‌سرویاور میکنند و عکس العمل آنها را بر میانگیزد، آشکارا به بی‌آبروئی و رسوانی بیش از پیش تمامی اینها و تمامی افراد و نهادها و تشکلهایی که تاکنون خامنه‌ای را تائید نموده، ازاو دفاع کرده و بر صلاحیت و توائی وی در جایگاه رهبر و لی فقیه صحه نهاده‌اند، منجر میگردد که اینها همه نه تنها بحران رهبری را تخفیف نمیدهد، بلکه به آن ابعاد وسیع تری هم خواهد داد. احتمال بیشتر آن است که مجلس خبرگان، اگر بخواهد درین راه اقدامی انجام بدهد، راه بروان رفت از بحران را، در تعیین یک "شورای رهبری" جستجو کند. موضوعی که این روزها زمزمه‌های آن نیز در اینجا و آنجا شنیده می‌شود. با این همه باید گفت و تصریح کرد که چنین ترفندی هم یقیناً مشکلی از بحران رهبری حکومت اسلامی را حل نخواهد کرد. اولاً) این موضوع نیز بنحوی ولو به درجات کمتر نتایجی را در بر خواهد داشت که حذف خامنه‌ای در بردارد، ثانیاً "شورای رهبری" در حکومت اسلامی و نظام ولایت فقیه، تازه اول دعوا و اختلاف میان اعضاء آن یعنی تشدید این بحران است.

**دوم:** مجلس خبرگان، تلاش جناح‌ها و عوام‌فریبی آنها در جریان برگزاری انتخابات آن، به موضوع باصطلاح حفظ آبروی نظام که هم وغم اصلی سران حکومتی را تشکیل می‌دهد، ذرهای کمک نخواهد کرد. به چه دلیل؟ باین دلیل ساده که برای نظام ولایت فقیه و برای حکومت اسلامی اولاً آبرو و اعتباری باقی نمانده است که بخواهد حفظ شود، ثانیاً کارگران و اکثریت عظیم توده‌های محروم و زحمتکش جامعه، زبرو بالای جناح‌های مرتع حکومت را دیده و شناخته‌اند. همه کارگران و زحمتکشان از این نظام، ارگان‌ها و جناح‌های آن متفرقند و خواهان تعین تکلیف نهائی با جمهوری اسلامی‌اند. بنابراین تلاش اینها در بالا، بده بستان جناحها و مجلس خبرگان آنها بطری به مردم ندارد و چیزی را در پائین عوض نمی‌کند.

چنین است که مجلس خبرگان رهبری هم، ترکیبی تغییری بکند یا نکند، در رهبری حکومت اسلامی تغییراتی ایجاد بکند یا نکند، در هر حال اما خود اگر بحران رهبری حکومت اسلامی را تشدید نکند. شدید شفا بخشی برای این بحران نخواهد داشت!

#### زیر نویس‌ها :

- ۱\_ از سخنان مصباح یزدی عضو مدرسین حوزه علمیه قم - رسالت ۲۳ خرداد ۷۷
- ۲\_ وزارت کشور در اطلاعیه‌ای مورخ ۱۶ تیر ۱۴۰۰ کرد انتخابات سومین دوره مجلس خبرگان از زور اول شهریور آغاز و روز جمعه اول آبان برای انتخاب ۸۶ نماینده از ۲۸ استان اخذ رای بعمل خواهد آمد.
- ۳\_ مدیر مسئول رسالت (سید مرتضی نبوی) در شماره ۲۴ خرداد این روزنامه نوشت "اعضا خبرگان رهبری برای انتخاب یک مجتهد اسلام شناس و عادل انتخاب می‌شوند که این مجتهد اسلام شناس ضامن اسلامیت نظام است. اگر اعضا خبرگان خودشان مجتهد نباشند چگونه می‌توانند یک مجتهد اسلام شناس و جامع الشرایط را برای رهبری انتخاب کند"
- ۴\_ سلام ۱۳ تیر ۷۷، از سخنان مشاور قوه قضائیه در سخنرانی پیش از خطبه نماز جمعه تهران.
- ۵\_ از سخنان مصباح یزدی از مدرسین حوزه علمیه

قطع آن نتواند نقش مهم و تعیین کننده‌ای بازی کند، نه فقط به زیان جناح و کل حکومت نیست، بلکه در لحظه کنونی شاید بسیار مفید هم باشد! این قضیه هم بزعم جناح مسلط که دست برادری برای همانهایی انتخابات مجلس خبرگان به سوی جناح رقیب دراز کرده است وهم از نظر ائتلاف حامی خاتمی، به گرم شدن تئور انتخابات کمک خواهد کرد و "مشارکت مردم" در انتخابات را تامین و آبروی نظام را نیز حفظ خواهد نمود و افزون برهمه اینها و به زعم جناح‌ها، شاید بتواند در بیرون بردن رهبری از بحران نیز کمکی باشد و به کل نظام پارهی برساند! به هردو اینها مشغولیات ذهنی، اندیشه‌ها و تلاش‌های فی الحال جناحهای حکومتی است، باید دید مناقشات و بدء بستانهای ایشان در عمل به کجا خواهد کشید. معهذا این نکته از هم اکنون روشن است که مجموعه این تحركات و تلاشها نه بحران رهبری در حکومت اسلامی را حل خواهد کرد این یک، و دوم این که به حفظ آبروی نظام نیز هیچ کمکی نخواهد کرد.

**یکم:** اولاً) آمادگی جناح مسلط حکومتی به واگذاری چند کرسی این مجلس به جناح رقیب یا حتی عملی شدن آن و تغییر ترکیب فعلی مجلس خبرگان، هنوز معنی این نیست که این مجلس کامی برای بیرون بردن رهبری حکومت اسلامی از بحران برداشته است و یا میتواند بردارد. اگر بحران رهبری نظام ولایت فقیه با بی‌اعتباری و رسوانی آقای خامنه‌ای رهبر حکومت اسلامی بطرز بارزی آشکار و تشدید شده است، پس مجلس خبرگان اگر بخواهد بنحوی از انجلی پای راه حل این بحران را بیان بکشد، قبل از هر چیز باید عندر وی را بخواهد! بسیاری، حتی از سران جناحها نیز این را فهمیده‌اند که خامنه‌ای بلاحظ رهبریت حکومت اسلامی و در جایگاه ولی فقیه، عملاً مرده است و حضور فیزیکی او نیز چیزی را تغییر نمیدهد. ولو آنکه پاره‌ای از طوفاران اواز دیدگاه منافع خویشاً ظهراً میدواری کنند که "اظهور مهدی از برکات وجود خامنه‌ای" بهره مند شوند" (۱۷)، اما حضوری درین جایگاه تداوم بخشدواین البته بسود حکومت اسلامی نیست! از سوی دیگر شخص خامنه‌ای نیز درنظری که اواخر اردیبهشت در دانشگاه تهران ایراد نمود، به "حقیر" بودن خود در این جایگاه برای انتخابی که مجلس خبرگان کرده است اشاره نمود. وی هم در اینجا و هم در نطق کوتاه دیگری به مریضی و احتمال زنده نمایند خود نیز اشاراتی کرده است (۱۸). صرف نظر از اینکاين سخنان به چه قصد و مظنوی بیان شده باشد و داستان بیماری خامنه‌ای تا چه حد صحت داشته‌اند یا نه، اینها اما در هر حال زمینه‌ای برای آمادگی ذهنی نسبت به تغییرات احتمالی در رهبری حکومت اسلامی ایجاد کند. و درست در بحبوحه همین بحث است که ما شاهد این هستیم که روزنامه سلام چگونه از توضیح وظیفه مجلس خبرگان، در "تعیین و معرفی رهبر جدید" (۱۹)، بطور زیرکانه ای به عدم صلاحیت رهبر فعلی نقیب می‌زند!

علیرغم اینها اما احتمال کنار گذاشته شدن خامنه‌ای اگر نگوئیم صفر، اما بسیار ناجیز است. یکی بدلیل اینکه با احتمال خیلی زیاد ترکیب مجلس خبرگان چنین اجازه ای نخواهد داد و بعد هم به این دلیل که این کارد رشرایط فعلی کار بسیار مخاطره آمیزی است که سوای آنکه دفاتر این ریز و درشت‌ترهای رهبری از خاتمی و حضور یک‌اقلیت ناچیز که در برابر اکثریت این کترین و ضعیف ترین احتمال اینست که جناح مسلط به نفوذ خود و از دست دادن اکثریت این مجلس رضایت دهد یا حتی به نتیجه مساوی تن بدهد! اما اینکاين جناح اجازه دهد تا شماری از افراد وابسته به جناح خاتمی وارد رقابت شوند و بخواهد جائی هم برای این جناح در مجلس خبرگان باز کند، این بسیار محتمل است.

وقتی که اینکاين جمهور و اکثریت هیئت دولت با موضوع طرح لایحه‌ای که در ظهر داشت اختیارات شورای نگهبان را محدود کند و بویژه نظارت استصوابی ازرا زیر سؤال می‌برد، مخالفت کردند و یا نخواستند به این مسئله که از ابتدای روی کار آمدن وزیر کشور معزول عبدالله نوری مطرح بود، دامن زده شود، معلوم شد که سران جناح‌ها به پاره‌ای سازش‌های موقتی دراین باره دست یافته‌اند. قضیه حد و حدود اختیارات شورای نگهبان و مسئله نظارت استصوابی از صورت مسئله پاک شد و بجای آن فراهم شدن امکان رقابت، خواست مهوری و محور تبلیغات جناح خاتمی شد.

حامیان خاتمی برای آنکه قضیه انتخابات بابی تقاضا می‌روند و نشود، خواستار آن شدند که امکان رقابت کاندیداهای آنها با جناح مقابل نیز فراهم گردد. اصلی ترین جریان حامی خاتمی، مجمع روحانیون مبارز با انتشار بیانیه‌ای برپرسورت برگزاری "هرچه با شکوهتر" این انتخابات تاکید کرد و اظهار امیدواری نموده است که بر سرده "مشارکت مردم" موانعی ایجاد نشود کارگزاران سازندگی نیز طی بیانه‌ای، حداکثر خواستار پرهیزان‌حصار جوئی در انتخابات خبرگان شدند. دبیر کل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی نیز حداکثرخواهان "تعدیل" مقررات و قوانین مربوط به تأیید صلاحیت کاندیداهای خاتمی شد!

"عملکرد فراجناحی" شورای نگهبان شد! حامیان خاتمی که دانش از تجربه تلخ دوره قبلی انتخابات خبرگان که با عدم استقبال مردم رویرو شده بود یاد می‌کنند و این موضوع را در برابر چشم حداکثر این است که بحران فعلًا موجود رهبری را تداوم بخشدواین البته بسود حکومت اسلامی نموده و به نفع کل نظام بهره برداری کنند. بنابراین از شورای نگهبان میخواهند "بگونه ای تغییر کنند تا امکان رقابت فراموش شود و در پرتو آن شور و شوق لازم در مردم بوجود آید" (۱۲) تا این انتخابات را به حادثه ای مهم درجه تقویت نظام تبدیل کنند" (۱۲) و اما جناح مقابل در همان حال که مطلقاً نیخواهد موقعیت برتر خویش را دراین مجلس از دست بدهد و حتی سعی می‌کند با افزایش سن رای دهندگان از ۱۵ سال به ۱۸ سال از تعداد آرا احتمالی جناح مقابل بکاهد، خود را برای گذشت های جزئی آماده کرده است. طوفاران این جناح اخیراً کاندیدا شدن و ثبت نام غیر روحانیون (۱۵) و حتی زنان را نیز بلا مانع دانسته‌اند. در تهران اعظم طالقانی و یکزن دیگر ثبت نام کردند. علاوه براین‌ها، امامی کاشانی دبیر شورای نگهبان و جتنی سخنگوی آن نیز در سخنان خود تلویحاً "جائز هم برای تشخیص صلاحیت افراد توسط مراجع یا مجتهدین و فقهای غیر از شورای نگهبان نیز گذاشته اند. بهر صورت مجموع شرایط حاکی از آن است که جناح مسلط حکومتی این آمادگی را در خود ایجاد کرده است تا شمار مدعوی از کرسی‌های مجلس خبرگان را به جناح خاتمی و اکثار کند. و اگذاری شماری از کرسی‌های این مجلس به ائتلاف خاتمی و حضور یک‌اقلیت ناچیز که در برابر اکثریت

## صاحبہ بایکی از مسئولین حزب

### کمونیست مارکسیست لنینیت انتقلابی (سوئد)

که جنبش کارگری سوئد تاثیری از این جهت نپذیرفته . اگر چه همانطور که گفتم بعنوان مثال بحث های درونی ما در مردم استالین هنوز زنده است ولی اینگونه بحثها نیز تاثیری در جنبش کارگری ندارند.

**سوال ۴** در یکسال اخیر، اروپا شاهد گسترش مبارزه کارگری بوده است، در همسایگی شما دانمارک نیز ، کارگران مبارزه قابل تحسینی را علیه کارفرمایان و سرمایه داران پی گرفته اند. اوضاع مبارزه کارگری در سوئد از چه قرار است؟

**ج** وضعیت تاسف باراست، با وجود بدتر شدن اوضاع اجتماعی، جنبش کارگری سکوت کرده است، نه اعتراضی و نه اعتراضی، سکوت، سکوت، سکوت . ما منتظر شورش هستیم ولی میتوان سوال کرد پس چرا خبری نیست ؟ ولی جواب به این سوال ساعتها وقت میگردد . مردم میترسند که شورش ها کار را خرابتر کنند و مردم هنوز تحت تاثیر شدید سوسیال دمکراسی هستند . تا این ترس نشکند و این توهم فرو نزیزد ، انتظار هیچ تغییری را نمیتوان داشت.

**سوال ۵** عدهه ترین خواست ها و مطالبات کارگران سوئد در شرایط فعلی کدامند؟

**ج** خروج از اتحاد اروپا، درصد از کارگران سوئدی مخالف اتحاد اروپا هستند، آنها معتقدند که بدتر شدن اوضاع حاصل عضویت در اتحاد اروپا است. تازمانیکه سوئی‌عضو اتحاد اروپا است هیچ‌گونه حل عملی برای رفع مشکلات امروز کارگران سوئدی موجود نیست . بواقع این شکل بین المللی اتحاد نه در خدمت همیستگی قاره ای در جهت حل مشکلات بلکه درجهت چیاول کشورهای ضعیف اروپائی است، از این‌رو اولین قدم درجهت حل مشکلات کارگران سوئدی باید خروج از اتحاد اروپا باشد. مسئله دیگر سیاسی کردن و شدن کارگران باید باشد. آنها خواستار تقویت بخش عمومی و جلوگیری از خصوصی کردن این بخشها هستند، زیرا در صورت خصوصی شدن این بخش در حقیقت هیچ گونه کنترلی از طرف دولت اعمال نخواهد شد و همین دستاوردهای ناجیز نیز از دست آنان گرفته میشود. مسئله استغال تاکتون اجرا شد. ولی طبق تجربه ما از انتخابات، همیشه بدتر شدن اوضاع بعد از انتخابات صورت میگیرد چون قبل از آن همه احزاب در پی بدست اوردن رای بیشتر هستند. بنابراین اشتغال پس از انتخابات امسال کاهش خواهد یافت و یا تغییرات زیادی پیدا خواهد کرد و این نکته ای است که کارگران سوئدی خواستار آن نیستند.

**سوال ۶** قدری از فعالیت اتحادیه های کارگری و تحرك آنها بگوئید؟ مهم ترین اتحادیه های کارگری سوئد کدام اند؟

**ج** آنها کار خاصی انجام نمیدهند ، وظیفه اصلی آنان ساخت نگه داشتن کارگران است و پشتیبانی از سوسیال دمکراسی کارگرانها، که این وظایف را بخوبی تاکتون انجام داده اند. بسیاری از آنان خود تبدیل به کارفرمایان شده اند و بغير از جدالهای تبلیغاتی در مورد مذاکره حقوق کارگران کار دیگری جز متوقف کردن اعتراضات کارگری ندارند. ممکن است در پائیز امسال بخارط تغییرات در خط مشی سیاسی سوسیال دمکراسی کارگرانها این اتحادیه ها تغییری بکند ولی این تغییر درجهت کارگری شدن اتحادیه ها نیست یعنی منظورم این است که تغییرات در این جهت نخواهد بود که این اتحادیه تبدیل به ارکان هایی برای دفاع از منافع صنفی کارگران بشوند . در این مورد میتوان زیاد گفت ولی بطور کلی نظر ما این است.

**سوال ۷** تاکتیکهای اساسی شما برای سازماندهی، پسیج و هدایت مبارزه کارگران کدام اند؟

**ج** تاکتیک های اساسی ما: مبارزه علیه اتحادیه اروپا، علیه خصوصی کردن و علیه کاهش ها است . ما تمام نیروی خود را روی این مسئله کذاشتیم و در محیط کار با کارگران در مورد این مسئله صحبت میکنیم و آنان را بسیج می نمائیم . در انتخابات شهری امسال نیز اهداف انتخاباتی ما اینها هستند. است برای امسال برای اولین بار کمپین گستره ای در شهر استکلم را آغاز نموده ایم تا بتوانیم اهداف سیاسی خود را تبلیغ کنیم . انتخابات بهانه خوبی اینگونه کمپین های افشاگری و گرنه ما پارلمان تاریسم را قبول نداریم ولی از آنجاییکه حزب کوچکی هستیم باید از هر فرصتی استفاده نمائیم .

**سوال ۸** چشم انداز مبارزات طبقه کارگر سوئد را چگونه می بینید؟

**ج** در آینده نزدیک ما شاهد کاهش های زیادی خواهیم بود بعلاوه حق کار بیش از این پایمال خواهد شد. این شرایط باعث میشود که درگیری و منازعات طبقاتی چهار سطح سیاسی و چه در سطح تشکیلات ها و موسسات بوجود آید. مردم بیشتر از دست سوسیال دمکراتها عصبانی خواهند شد. در دراز مدت می باید پیش بینی کرد که مردم توهم خود را نسبت به سوسیال دمکراتها از دست میدهند. خود این مسئله در احزاب سیاسی و اتحادیه ها نیز چند دستگی ایجاد میکند. آلترناتیو بهتر، سیاستهای ما است ولی باید اذعان کنیم که فقط حزب ما دارای آلترناتیو های انقلابی است، در نتیجه ما نمیتوانیم از احزاب

نشریه کاربا یکی از مسئولین حزب کمونیست مارکسیست لنینیست انقلابی (KPML) که با نشریه "پروولتر" ارگان رسمی این حزب نیز همکاری میکند مصاحبهای انجام داده است که در اینجا متن آن از نظرخوانندگان میگردد.

**سوال ۱** حزب شما برای سازمان ما یک جریان ناشناخته نیست ، معهدا برای آشنائی بیشتر خوانندگان نشریه کار، مایلیم که فشردهای از تاریخچه حزب را باز گو کنید.

**ج** ارائه تاریخ دقیق بنیانگذاری حزب ما شاید کار مشکلی باشد چون به سابقه احزاب و جنبشی های کارگری دهه های قبل از تأسیس حزب ما با نام امروزی آن مربوط نمیشود ولی میتوان گفت که ما در سال ۱۹۶۸ از درون حزب کمونیست سوئد (SKP) بیرون آمدیم . این حزب بعدها به نام حزب چپها (کمونیستان) به فعالیت خود ادامه داد و اختلاف ما اصولاً بربمنای دیدگاه ما نسبت به جنبش کارگری، مبارزه طبقاتی و مبارزه قهرآمیز در سوئد بود. این حزب همانطور که میدانید جز احزاب پارلمانی سوئد است که پس از فروپاشی بلوك شرق نام کمونیستارا از خود برداشت و هم اکنون به اسم حزب چپ (VP) فعالیت میکند . بهر رو در سال ۱۹۶۸ پس از خروج ما بعنوان معتقدین به مارکسیسم - لنینیسم ، تشکیلاتی را سازماندهی کردیم بنام "اتحادیه کمونیستها مارکسیست - لنینیست (KFML)" تا سال ۱۹۷۰ . در آن زمان اتحادیه دارای دو شاخه دانشجویی و کارگری بود. در سال ۱۹۷۰ شاخه کارگری، تشکیلات خود را جدا نمود و "انقلابی" (۲) را به نام خود اضافه کرد و تحت نام "اتحادیه کمونیستها مارکسیست - لنینیست (انقلابی)" به فعالیت ادامه داد . اختلاف اساسی ما در آن زمان ، استقلال سیاسی ما از شوروی ، آلبانی و هر حزب کارگری، وابسته بود و تا حدودی به خاطر ضدیت با سیاستهای رویزینیستی شوروی به چین نزدیکتر بودیم، به مبارزه طبقه علیه طبقه اعتقاد داشتیم و اکثر "کارگر بودیم. در حال حاضر هم اکثر اعضای ما کارگر هستند فقط من جزو اقلیت غیر کارگر هستم . بهر رو چند سال بعد نیز پس از بحث های درونی به این نتیجه رسیدیم که نام "اتحادیه" را برداریم و به جایش "حزب" را بگذاریم و از آن تاریخ بعد ما به اسم "حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست (انقلابی)" (۲) را فعالیت میکنیم البته در حال حاضر بحث درمورد تغییر نام حزب هست چون اسم بسیار طولانی داریم ولی بحثها جدی نیست چون فکر میکنیم این نام یک تاریخچه بهمراه خود دارد و در ثانی در سوئد همه مارا با اسم (انقلابیون) می شناسند بنابراین تغییر نام موضوعیت خود را دست داده.

**سوال ۲** همانطور که میدانید فروپاشی بلوك شرق و اتحاد شوروی ، برروی بسیاری از افراد و جریانهای سیاسی که دعاوی مارکسیستی داشتند تاثیرات شکننده ای بر جای گذاشت تا آنجا که برخی از آنها، سوسیالیسم و آرمانهای کمونیستی را بلکی کنار گذاشتند. اگر ممکن است بگوئید تاثیرات این مسئله برروی حزب شما چگونه بود؟ آیا این موضوع بر حزب شماره زمزمه مناسبات درون تشکیلاتی و درون حزبی تاثیر نهاد؟ آیا برداشت ها و اعتقادات شما فرضی از مفاهیمی چون دمکراسی ، دیکتاتوری پرولتاریا و یا تعریف از طبقه کارگر دچار تغییر گردید؟

**ج** بهبودجه، حتی بحثی در مورد تغییر مواضع نیز نیست . چون ما جزو "احزاب برادر" نبودیم و دیدگاه رویزینیستی بلوك شرق را همیشه مورد انتقاد قرار میدادیم ، بعلاوه اینکه وضعیت طبقاتی سوئد نیز تغییری نکرده است، از ایندو دلیلی درمورد تغییر بگذاریم اگر چه ممکن است در بعضی موارد بحث هایی باشد مثل مواضع استالین. ولی تغییری در دیدگاهایمان نیست . فرو پاشی بلوك شرق رابطه بین المللی ما بعنوان مثال با برخی از احزاب و جنبش های رهایی بخش را تحت تاثیر قرار داده است چون برخی از آنها دیگر حتی کمونیست هم نیستند ولی در مورد سوئد هیچ تغییری رخ نداده است.

**سوال ۳** تاثیرات این مسئله با توجه به تبلیغات وسیع بورژوازی جهانی در وصف و حسن نظام سرمایه داری، برروی جنبش کارگری سوئد چگونه بوده است.

**ج** در این مورد هم تغییری رخ نداده است. چون جنبش کارگری سوئد تحت تاثیر سوسیال دمکراسی است و سوسیال دمکراسی در سوئد هیچگونه رابطه ای با بلوك شرق نداشته است ، در نتیجه مواضع آنها پس از فرو پاشی تغییری نکرده است. حزب چپ کمونیست (VPK) نام خود را به "حزب چپ" تغییر داد ولی آنان هیچگاه حزب کارگری نبوده اند. بنابراین میتوان گفت

## اطلاعیه مشترک

## بمناسبت ۱۰ شهریور، سالروز قتل عام زندانیان سیاسی

ده سال از کشtar دسته جمعی زندانیان سیاسی بدست سران حکومت اسلامی گذشت. ده سال پیش، بغار آنکه جمهوری اسلامی در جنگ فرسایشی با عراق درمانده و نتوان شد و اجباراً قطع‌عامه سازمان ملل را پنیرفت، پایه گنار حکومت اسلامی، همراه با نوشین جام زهر، فرمان کشtar زندانیان سیاسی را نیز صادر کرد. دژخیمان جمهوری اسلامی بالافصله و جنون آسا، به جان زندانیان سیاسی افتداد و به کشtar جمعی کسانی پرداختند که به جرم اعتقادات خود به حبس افتداد بودند. سران رژیم میخواستند با فضای رعب و وحشتی که از طریق این جنایات فجع ایجاد میکنند، جلو هرگونه حرکت اعتراضی توده های کارگر و زحمتکش را که مکرر به بیانه جنگ و شرابط جنگی سرکوب نموده بودند، مسدود سازند. آنان چنین تصور میکردند که با کشtar زندانیان سیاسی، خواهد توانست خودرا برای همیشه از «ش» مخالفین رها ساخته و پایه های حکومت خویش را مستحکم سازند.

چنین بود که در طی فقط چند روز از اواخر مرداد تا اوایل شهریور ۶۷، هزاران تن از زندانیان سیاسی که پس از تحمل شکنجه های وحشیانه در بیادگاههای جمهوری اسلامی به حبس محکوم شده و چندین سال از عمر خویش را در زندان گذرانده و یا حتی دوره محکومیت خویش را نیز به پایان رسانده بودند، مجدداً به محکمه اسلامی فراخوانده شدند و بعد از یک پس و جوی چند دقیقه ای، دسته دسته به جوخه های اعدام سپرده شدند و گروهای جمعی به سرعت از کشته ایشانه شد.

کشtar دهشتگار هزاران انسان در بند به جرم اعتقادشان، بار دیگر ماهیت عمیقاً ارتقای و سرکویگر حکومت اسلامی و روش سران آنرا در برایر مخالفین عقیدتی خود به نمایش گذاشت و عمق تنوخش و برویت نظام ولایت فقیه را در معرض دید همگان قرار داد. این اقدام جنایتکارانه نشان داد که رژیم ولایت فقیه و اصولاً هر حکومت منعیتی تا چه حد میتواند حکومتی ددمتش و ضد بشر باشد و نشان داد که این رژیم بنا به خصلت خود نمیتواند با آزادی عقیده که یکی از وجود آزادیهای سیاسی است، خصومت نداشته باشد و لاجرم زندانهایش نیز همواره مملو از آزادیخواهان و مملو از کسانی است که عقایدی سوای آن و یا مخالف آن دارند و به همین جرم شکنجه و اعدام میشوند.

از همین روست که بعد از این فاجعه بزرگ نیز مکرر شاهد جنایات رژیم در اشکال و ابعاد دیگر بوده این و شاهد بوده این که چگونه شمار کثیری از کوئینیست ها و سایر نیروهای انقلابی و مخالف رژیم به جرم های مشابهی دستگیر و شکنجه شده و به حبس های طولانی مدت محکوم گشته و یا به جوخه های مرگ سپرده شده اند.

اما در مورد اهداف حکومت اسلامی آنچه را که ده سال بعد از این فاجعه میتوان گفت این است که ارتقای اسلامی اگر چه با این ددمنشی ها و اقدامات سرکویگرانه، بطور مقطعي توانست لطمیات سنگینی به جنیش مبارزاتی مردم وارد سازد، اما برغم آن نتوانست تمام اهداف خویش را جامه عمل پیوشاند. رویدادهای این ده ساله عملنا به سران حکومت اسلامی نشان داد که حتی جنایت تکان دهنده قتل عام زندانیان سیاسی هم نه توانست

توده های کارگر و زحمتکش را از تداوم مبارزه علیه رژیم باز دارد، نه توانست انقلابیون و آزادیخواهان و مخالفین رژیم را نابود کند و نه حتی توانست اراده و عنم زندانیان سیاسی را درهم بشکند. پایه های حکومت اسلامی و ولایت فقیه نیز نسبت به ده سال قبل نه فقط مستحکم تر نشده که سست تر و ضریبه پنیر تر متم شده است.

در آستانه دهینه سالروز قتل عام زندانیان سیاسی (۱۰ شهریور)، ضمن گرامیداشت خاطره تمامی قربانیان این کشtar، یکبار دیگر جنایات رژیم جمهوری اسلامی را قویاً محکوم میکیم، همدردی و همبستگی عمیق خود را با خانواده های جانباختگان و زندانیان سیاسی اعلام میداریم و همه کارگران و زحمتکشان را به تشید مبارزه علیه حکومت اسلامی فرا میخوانیم. سران جنایتکار و دژخیمان جمهوری اسلامی به جرم شکنجه و اعدام هزاران زندانی سیاسی و به جرم جنایت علیه بشریت بایستی محکمه و مجازات شوند و به سرای اعمال ننگین خود برسند. تمامی زندانیان سیاسی بدون هیچگونه قید و شرطی فوراً باید آزاد شوند.

مرگ بر جمهوری اسلامی - زنده باد آزادی

حزب کمونیست ایران - سازمان فدائیان (اقلیت) - سازمان کارگران انقلابی ایران (واه کارگر)

۱۹۹۸ - ۲۹ آوت ۷۷



## مجلس ارتقای اسلام، دفاع از حقوق زنان را جرم اعلام نمود

مجلس ارتقای اسلامی با الحاق یک بند به ماده ۶ قانون مطبوعات، دفاع از حقوق زنان را در مطبوعات جرم اعلام نمود و در همان حال با توجیه ممنوعیت «استفاده ابراری از افراد» مانع دیگری بر سر راه آزادی مطبوعات ایجاد نمود.

در این طرح که برغم مخالفتهای گسترده به تصویب رسید، آمده است که «استفاده ابراری از افراد (نماینده از زن و مرد)» و نیز طرح مطالی که «موجب تضاد میان زن و مرد از طریق دفاع غیر شرعی از حقوق آنان در مطبوعات» گردد، ممنوع است. تخلف از موارد فوق مستوجب مجازاتهای مقرر در ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی یعنی مجازات حبس و شلاق خواهد بود و در صورت اصرار مستوجب تشید مجازات و لغو پرونده میباشد.

هدف اصلی این بند الحاقی به ماده ۶ قانون مطبوعات، ممنوع کردن دفاع از حقوق زنان در مطبوعات علنی است. جمهوری اسلامی که در طول تمام دوران حاکمیت خود، حقوق انسانی زنان را پایمال نموده و به نابرابری میان زن و مرد ابعاد و حشتاتکی داده است، حتی نمیتواند تحمل کند که در مطبوعات رسمی و باصطلاح قانونی اش نامی از حقوق زنان و خواستهای آنها به میان آید، لذا با تصویب این طرح، در تلاش است که حتی کوچکترین دفاع از حقوق و مطالبات زنان را به بیانه «دفاع غیر شرعی از حقوق آنان به کلی ممنوع سازد. در عین حال، در همین طرح زیر پوشش مخالفت با استفاده ابراری از افراد» تلاش شده است، محدودیت های تازه ای بر سر آزادی مطبوعات ایجاد نماید و سانسور و خفقان گسترده تری را حتی در مورد مطبوعاتی که با اجازه رژیم منتشر میشوند به مرحله اجرا درآورد.

تصویب جدید مجلس ارتقای در مورد ممنوعیت دفاع از حقوق زنان و تشید محدودیت های علیه مطبوعات علنی، به رغم اینکه هریک به نحوی از انجاء و استبنته به یکی از جناحهای حکومتند، بار دیگر این واقعیت را آشکارا در برایر همگان قرار میدهد که جمهوری اسلامی رسالتی جز تشید حقان، لگد مال کردن هر چه بیشتر حقوق زنان و خواستهای عموم مردم ایران ندارد.

تحقیق آزادیها و حقوق دمکراتیک مردم ایران از جمله حقوق زنان، تنها با تشید مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی، سرنگونی آن و استقرار یک حکومت انقلابی میسر است.

## سازمان فدائیان (اقلیت)

ازمیان نشرات

**تناقض نمونه ، نمونه تحریف !**

در جایی که قانون و امکانات قانونی اجازه میدهد قانون را همچون چماق علیه مخالفین بکارمیگیرد و در جایی دیگر چماق را قانون خود قرار میدهد" تلویحاً زاین مسئله که چرا این جنح "شعار قانون گرائی خاتمی و طرفدارانش را از آن خود کرده و بسیاری امیال پلید خود را **قانوناً** به پیش میرد" سخت اظهار نای، ضایت که دارد است. (تاكیدها را بانتهای آن است)

همانطور که شما خوانندگان نشریه کار نیز یقیناً متوجه شده اید، دراین نقل قولها و ادعاهای یک تناقض بزرگ دیده میشود. اولاً این مطلب به هیچوجه صحت و حقیقت ندارد که گردانندگان روزنامه «جامعه» یا «توس» و نیز سایر حامیان خاتمی، مدافعان و خواستار آزادی بیان و نشر سبقت آزادیهای موردنظر رشان، همان آزادیهای مشروع، و آزادی در چارچوب قانون اساسی است. برخلاف تصور سازمان اکثریت و یا درکی که این جریان رائید میدهد، این فقط آقای یزدی نیست که در نماز جمعه تهران عربیده میکشد که اجازه نمیدهیم هر کس هرچه دلش خواست بگوید، نیک اگر بینگری، خاتمی هم عین این مطلب را لبته به لسان دیگری و با لفظ خودش بیان کرده و کراراً پسراحت گفته است که آزادی نبایستی مخل به بیانی اسلام و شرع باشد. خب، آزادی نبایستی مخل بیانی اسلام باشد یعنی چه؟ و اصولاً "چگونه و چه کسی انتشار فلان مطلب در فلان نشریه و یا اصولاً" چاپ

مدن رورگاهه به مجازی اسم حکی وارد میگردید یا نه؟  
جز اینست که تشخیص این مسئله با دستگاههای قانونی حکومتی است که در آنها کارشناسان اسلام و شرع و روحانیون نقش درجه اول را دارند و تمام‌در چارچوب نظام ولایت فقیه و معیارها و مقررات آن حرکت میکنند؛ مگر در حکومت اسلامی که دران دین و دولت بطور کامل درهم ادغام شده است، این مسئله روشن و آشکار نیست که احکام و مقررات الی و دینی مهر خویش را برترین اسلام قوانین از جمله قانون مطبوعات رژیم کوپیده است؟ وقتی که طبق همین عیارها اگرکسی بفرض جرات کند برهبر حکومت اسلامی بگوید بالای چشمته بروست، به جرم "توهین به رهبری" بایستی در دادگاه اسلامی محاکمه شود و حاکم شرع طبق قانون مجازات اسلامی وی را به مجازات برساندو همداینهای در قوانین حکومت اسلامی صراحت داده شده است، دیگر از کدام آزادی در چار

چوبکانوں اساسی میوان صحتی کرد: شکی دراین نیست کہ جناحهای حکومتی حدود آزادی را از نظرگاه خود میفہمند و در نoho بخورد به آن و یا سایر مسائل اجتماعی با یکدیگر خلاف دارند. یکی بندگی و "عبدیت" محض را عین "آزادی" میدان، یکی اما ز صراحت لهجه تا پدین اندازه پرهیز میکند. یکی انتشار حتی "جهان اسلام" برادر خامنای و "جامعه" و "توس" فلان فرمانده سابق سپاه پاسداران و امثال انزا برنهی تابد و این موضوع را به زیان حکومت اسلامی میدان، یکی اما از انتشاراینگونه روزنامه ها ولو با تزلزل و ترس جانبداری کرده و آنرا به سود جمهوری اسلامی و بقا و اقتدار آن میدان. با اینهمه این مسئله کاما" روش نیست که بحث اینها همه در هر حال در چارچوب نظام اسلامی و ولایت فقیه مطرح نمیشود. بحث همه اینها، برسر چکونگی تامین بهتر و تضمین شده تر تداوم مقاومت اسلام است. آما ابن دوش: نیست؟

ین هدف کارا" از زبان مدیر مستول همان روزنامه "جامعه" بیان شده وهم کنون نیز بی هیچ پرده پوشی در "توضیح" تکرار میشود. شماره هفتاد و هشتاد و هشتین روزنامه از قول ایشان نوشت که "منظور از توسعه سیاسی جلب رضایت مردم است تا رسایه آن" تاوم حکومتی مقتند و پایدار "میسر گردد! خود بعد از آنمه قضايائی که در مورد "جامعه" و "توضیح" وغیره رخداد، به صراحت گفت که اول طرفدار حکومت دین است و "کسانی که مخواهند خدمتگزار مردم باشند باید از آزادی و حقوق مردم باشند!" وی همین چند روز پیش نیز یک گفتگوی تلفنی که روز شنبه ۵ شهریور از صدای جمهوری اسلامی پخش شد، برای چندین بار برای شیر فهم شدن امثال اکثریت تکرار کرد و گفت "اگر از آزادی صحبت میکنیم، منظور از آزادی قانونی است، چارچوب این از آزادی را قانون اساسی مشخص کرده است. قانون اساسی ما اخلاق به مبانی این را حدا آزادی میداند یعنی هر کس نمیتواند هرکاری و هرچیزی که میخواهد نجامد بدهد" (نقل بمعنی).

بنابراین اینجا هم هرگز نمیتواند هرچه دلش خواست بگوید و بتویسدو تا آنجا که به آقای خاتمی و به روزنامهها و ائتلاف حامی او مربوط میشود، بحثی از "ازادیهای سیاسی در میان نیست. بحثی از آزادی عقیده"، "آزادی بیان و نشر" و "دفاع" ازان هم در میان نیست. بحث بررساننتشار روزنامه ها و مطالعی است در رجار چوب قانون اساسی حکومت اسلامی، در چار چوب نظام و لایت فقیه، یعنی نظامی که از اساس دشمن آزادی های سیاسی منجمله آزادی بیان و نشر است. از همین روست که تلاش های تحریف گرایانه سازمان اکثریت و آرایش

همینکه بیش از یکسال بعد از روزی کارآمدن خاتمی هنوز هم جریان راست و در راس آن سازمان اکثربیت، کما کان سیاست دفاع و حمایت از جناح خاتمی را بنیال میکند، یکبار دیگر و به روشنی این حقیقت آشکار میگردد که سیاست حمایت از جناح های حکومتی، فرضًا "محصول ارزیابی شتاب زده این جریان یا نتیجه دیدگاه این یا آن فرد، ولو فرد مهی درستگاه رهبری اکثربیت نبوده و نبیست. این سیاست این مقطع تا آن مقطع، سیاست حمایت از جناحهای حکومتی، و در یک کلام تاکتیک سیاستی نیست. سیاست حمایت از جناحهای حکومتی، سیاست عمومی اکثربیت، سیاستی دائمی و استراتژیک است که راستی آن را نهادیل و تقدیرات این یا آن فرد کمتر یا بیشتر مهم و کمتر یا بیشتر راست در جایگاه رهبری اکثربیت\_ هرچند که تنوان و نمیتوان مسئولیت سنگین این افراد و نقش رهبران اکثربیت را در کشاندن کل این جریان به حمایت از ارتقای اسلامی انکار نمود! بلکه منفعت عمومی اینگونه جریانات بورژوا\_اصلاح گراست که ترسیم میکند. بجز این، چگونه میتوان اتخاذ دگرباره همان مشی و سیاست حمایت از "خط امام" و "شکوفا سازی" حکومت اسلامی را که آنهمه فاجعه به بار آورد و به تثبیت و بقای این رژیم ارتقا یاری رساند، اینبار در شکل حمایت از جناح خاتمی تبیین و تحلیل کرد؟ از همین روست که افشل اینگونه جریانات نیز تاثیر چندانی روی سیاستهای آنان ندارد و تغییری هم در راهیت آنها ایجاد نمیکند و قرار هم نیست ایجاد کند. شما چه بخواهید، سیاست این رسوایان را افشل بکنید یا تکنید، آنها بکار خود مشغول اند و بنیال منافع دراز مدت خویش اند. تامین چنین منافعی قبل از هر چیز در کوشش آنها به حفظ و حراست از نظام سرمایه داری است که تبلور می یابد.

مسئله امایلیست که چنین سیاستی در هر گام، با تحریف آشکار واقعیت هاست که تعقیب میشود و با دروغ پردازی و توهمند پراکنی در مرور آزادی خواهی خاتمی و جناح او همراه است. آنان در این خوشخدمتی عجالتاً" مفت و مجاهی تا آنجا جلو میروند که گاه حتی تلاش ها و فعلیت های تبلیغاتی و عوامگریبانه رژیم و عناصر مربوط یا وابسته به آن در این جا و آنجا را که سخت در تکاپویی کسب مشروعیت و اعتبار برای حکومت اسلامی برآمدند، تحت عنوان آزادی بیان توجیه نموده و از آن به دفاع برخاستند. کسی البته همانطور که اشاره شد نمیتواند از سازمان اکثربیت فرضًا "بخواهد استراتژی خودش را عوض کرده و یا تعییر بدهد و درجه‌هی مخالف منافع خویش گام زند. در برابر تحریفات و اقدامات آن اما نمیتوان و نباید ساکت ماند و دست روی دست گذاشت و نه فقط نباید در برابر این گونه تلاشها ساکت ماند، که مجدانه بایستی با آن به مقابله پرداخت و تمامی کوششهای اینها و سایر مدافعین و جیره خواران ریز و درشت سرمایه دار هرجا و تحت هر غنوان و بهانه و پوششی برای خارج کردن یکدسته از مرجعین حاکم و یا ارتقای اسلامی از زیر ضرب، خشی کرد و این مخالفین آبروی اخذه سرگون، حکومت اسلام، را منزوء، ساخت!

واما زاین مسئله که بگزیریم، مدافعین جناح آقای خاتمی و اصلاحگرایان اپوزیسیون از نوع اکثریت، در جریان دفاع خویش از این جناح گاه وارد عرصه هائی میشوند که حتی خود دانشجویان سابق "خط امام" هم جرات و رورود باان را بخود نمی‌دهند و خلاصه در بساطی که حکومت اسلامی برای نجات خویش پنهان کرده است، این حضرات آنچنان شیرجه میروند که با سر در عمق لجن گیر می‌افتد و به تناقض گوئی های آشکاری نیز دچار میگردند . در اینجا با نگاهی به سرمهقاله نشریه شماره ۱۸۸ اکثریت زیر عنوان "قانون چماق و چماق قانون" مختصرانه به یکی از این نمونه تناقضی که در نوع خود نمونه است میپردازیم.

نمونه تحریف

رسمنقاله نشريه ياد شده در الواقع امرها وکنش سازمان اکثريت درباره تعريفات  
جناح مقابل خاتمه از جمله توقف انتشار روزنامه "جامعه" را انکاس ميدهد.  
اکثريت ضمن اعتراض به حرکت رئيس قوه قضائيه و جناح او در توقف انتشار  
این روزنامه، اقدام دست اندرا کاران آن به دائر کردن روزنامه "توس" را،  
"اقلامي شجاعانه" خوانده و نوشته است "آدان باليين اقام ، عزم و خواست  
خودرا در دفاع از آزادی بيان و نشر و باز کردن فضای سياسي کشور ابراز  
داشتند" سپس اکثريت ضمن اشاره به اينکه "نيروهای آزادی ستيز و انحصار  
طلب ( که مقصود احتمالاً همان جناح مسلط حکومتی است؟) به هر وسیله با  
قانون چماق و يا چماق قانون ميكوشنند هر نوع حرکت آزادی خواهانه و تحول  
طلابان در ايران را سرکوب کنند" و بعد با ذکر اينکه "جناح راست (جناح چپ"  
چطور؟) رسالتی در پيش برد برنامه هايش و برای تحديد هرچه بيشتر آزاديه

## پیام به کنگره سازمان اتحاد فدائیان حق ایران

رقای گرامی!

با تقدیم گم تین درودهای انقلابی، برگزاری سومین کنگره سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران را به شما شرکت کنندگان صمیمانه شاد باش می‌گوییم.

سومین کنگره شما در شرایط سیار حساس برگزار می‌شود. این حساسیت قبل از هرچیز، همانظور که خود شما هم میدانید، معطوف به شرایط متغیر و اوضاع سیاسی ناپایدار است که جامعه ایران با آن دست به گیریان است. تشید نضادهای دورنی رژیم وحدت‌نشین بحران سیاسی بعد از دوم خداد از یک سو، افزایش دامنه نارضایتی و امکان اعتراض و پرآمدتده ای از سوی دیگر، در همان حال که بورژوازی را جهت حفظ منافع و حاکیت خود، سخت به تکابو اندخته است، هوشیار و بیگری دوستان را نیاز به کمونیست ها و نینوهای انقلابی در امر پیشبرد و تولای مبارزه علیه نظام حاکم طلب می‌کند.

در شرایطی که جریانهای رنگارنگ بورژواشی تمام تلاششان برآن است تا مبارزه مردم را از مسیر انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی منحرف ساخته و از حاکم شدن کارگران و زحمتکشان برسنوت خودشان، میانعت بعمل آورده، در شرایطی که این نیروها می‌کوشند که خاست کارگران و زحمتکشان را درج خواست این یا آن فرد و جناح از حکومت، محدود و مقدم سازند تاکلیت رژیم و در نهایت نظام حاکم را از خطر سقوط و نابودی پرهانند، کمونیست ها و همه نینوهای انقلابی که استوار و مصمم درست کارگران و زحمتکشان ایستاده اند، وظیفه دارند تا ضمن افشاء بیرحمانه این تلاش ها و ترفندها، مبارزه انقلابی و قاطعی را علیه تمامیت رژیم حاکم سازمان دهنده و ازاین طریق، مسیر تعمیق و گسترش جنبش انقلابی و مسیر استقرار حکومتی که کارگران و زحمتکشان، خود اداره امور را دردست گرفته و سرنوشت خود را رقم زنند، همراه نمایند.

رقای عزیز!

تصیمات شما و تاکید بریمودن این مسیر، بیویه در مقاطع کنونی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است و قطعاً به سهم خود میتواند در تضعیف و شکست این تلاشها موثر واقع شود. تقویت جبهه انقلابیون در برابر جبهه مرتजیون یعنی ارتجاع حاکم و حامیان مرتمع و رفیقیست آن، از مهمترین سیاستهایی است که در لحظه حاضر مبایستی در مرکز توجه مدافعين انقلاب باشد. ما امیدهای فراوانی داریم به اینکه کنگره شما با تصیمات اتخاذی خود، ضمن تضمین تداوم مبارزه انقلابی تاکنونی شما علیه ظلم واستبداد و نابرابری و برابر سرنگونی جمهوری اسلامی، کماکان بر آرمان های انقلابی و عدالت خواهانه و استقرار یک نظم انسانی و عالی از ستم که رقای ما و شما پیگیرانه در راه آن مبارزه کرده اند، پاشایی و تاکید نایاب و دریک کلام، این تصیمات تمامیت ارجاع و نظم حاکم را زیر ضرب گرفته و ناظر بر تقویت جبهه انقلاب باشد.

پس اجازه دهدی با آرزوی موقیت شما در راستای اتخاذ چنین تصمیماتی، یکبار دیگر برگزاری سومین کنگره سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران را به شما شوکت کنندگان و همه اعضاء، و هاداران سازمان شما تبریک و تهییت بگوییم. پیروز باشید!

### سازمان فدائیان (اقلیت)

روابط عمومی  
خرداد ۱۳۷۷

نیست" (راه نو\_ خرداد ۷۷)

بنابراین جناحهای حکومتی و مدافعين شعار قانونگرایی داخل رژیم آنقدر می‌فهمند که در برایان شعارچار تناقض گوئی نشوند، اما سازمان اکثربت، کاسه از آش داغ ترمتوهاین قضیبی ساده نمی‌شود یا منافع چنین عدم فهمی را ایجاب می‌کند و در هر حال از فرط خوش خدمتی به یک جناح به تناقض هم دچار می‌گردد. اصل اما این است که حکومت اسلامی یک رژیم بغاایت ارتجاعی است و قوانین آن هم مستقل از آنکه مجری آن چه کسی باشد، اساساً "ارتجاعی" و ضد آزادیهای سیاسی است. این قوانین متنضم منافع سرمایه داران، مستبدین و روحانیت انگل است. برپایه همین قوانین هزاران تن از انقلابیون، آزادیخواهان و مخالفین رژیم به جوهره های اعدام سپرده شده اند، دهها هزار نفر شکنجه شده و به حبس افتاده اند، میلیونها کارگر سرکوب و از حق اعتماد و تشکل و سایر حقوق دمکراتیک خود محروم شده و صدها تن از آنها به زندان و مرگ محکوم شده اند! موضوع استفاده از قانون چماق نیز فقط به حوادث امروز مربوط نمی‌شود. حکومت اسلامی هر وقت خواسته است و به وفور زمانی که همین نیروهایی که امروز در یک بلوك انتلافی حامی خاتمی گرد آمده و "قانون گرا" شده اند، دست بالارا در قدرت حکومتی داشتند، از قانون چماق سود جسته و در همه حال چماق قانون را نیز بر فراز سر مخالفین نگاهداشتند. اکثربت نتوانسته و مطمئناً نخواهد توانست اینها را بعنوان "آزادی" خواه و مدافع آزادی بیان و نشر و امثال آن جا بزند. آنان اعم از آنکه به قانون گرایی شهره و منتبه باشند یا نباشند، تابع قوانین و مقررات حکومت اسلامی اند. مخالفت و ضدیت با آزادی بیان و نشر، مخالفت و خبرگی اش را جهت استفاده از قانون برای برونو رفت از بحران بکار می‌اندازو به جناح مسلط دلسوزانه هشدار میدهد که با حذف دیگران مردم را بسمت زورو خشونت سوق ندهد" اکنون که حاکمیت قانون بصورت یک باور عمومی در آمده است این بهترین فرصت برای برونو رفت از بحران است. استفاده یک جانبه برای حذف دیگران مردم را بسمت زور و خشونت سوق میدهد که این به نفع نظام

جهه‌های استبداد و نسبت دادن صفات و خصوصیاتی به حکومت یا جناحی از آن که نه خود ادعائی در این زمینه داشته است و نه با هزار و یک من سریش به آن می‌چسبد، تغییری در ماهیت قضیبی و ماهیت ارجاعی و سرکوبکر آن ایجاد نمیکند. و اما تناقض نموده.

### تناقض نموده

سازمان اکثربت که از قنایتی جناح خاتمی راه می‌روند طبق روش سایر مدافعين این جناح، از شعار قانون و قانون نگرایی ایشان به مثالب یکی از شانه ها والزمات "جامعه مدنی" دفاع جانانه کرده و افزون بران قانون و قانون نگرایی را وسیله ای جهت "اصلاحات" و "تحول" جامعه بشمار می‌آورده است، اکنون که ایزار گرفته و دامن‌ر زونه "جالالت" در دست جناح مسلط حکومتی قرار گرفته و دامن‌ر روزنامه "جامعه" را هم گرفته است قانونگرایی و قانون دیگر نه فقط تحول و اصلاحات نیست، بلکه ناگهان به نام "چماق" هم مفترخ می‌شود! اگر جناح خاتمی از قانون و قانون گرایی به نفع خود استفاده کند، قوانین حکومت اسلامی خوبند و سیله تحول اند و لابد آستانه "جامعه مدنی"؟! اگر اما جناح مقابل خاتمی به نفع خود از قانون و قانونگرایی استفاده کند، نامش "چماق" است و ایزار پیشبرد "امیال پلید"! اکثربت بی‌آنکه کلامی جدی در مرور ماهیت ارجاعی و سرکوبگر قوانین جمهوری اسلامی بزرگان آورد می‌گوید، جناح انصصار طلب برای تحدید هرچه بیشتر آزادیها قانون را همچون چماق بکار می‌گیرد! سوال این است که آیا اشکال اساسی از جناح انصصار طلب است که دارد به قانون عمل می‌کند یا از آزادیها یا ای اشکال اساسی از جمهوری اسلامی؟ آیا جز این است که آزادیها قبل از هر چیز در همان قوانین حکومت اسلامی نقص شده در نک تک بندشیده شده اند؟ خانه از پای بست ویران است، خواجه در فکر نقش ایوان است! حضرات از یکطرف قانون و قانونگرایی را تائید می‌کنند و به تبع خاتمی همه را به عمل به قانون دعوت می‌کنند، از طرف دیگر از اینکه جناح رقبی خاتمی دارد به همین قانون عمل می‌کند ناراحت و برافروخته می‌شوندو ایزان نارضایتی می‌کنند که چرا آنها شعار گرایی خاتمی را از دست و گرفته اند امیال خویش را "قانون" پیش میرند؟ از این قرار معلوم این دسته از طرفداران قانون گرایی، هم طرفدار قانون و اجرای آنند و هم مخالف آن! قانون و قانونگرایی در نظر اینها هم خوب است و هم بد است! اگر خاتمی بدان عمل کند خوب اگر بیزدی بدان عمل کند خوب نیست، یک روز خوب است و روز دیگر بدان است، هم خوبست و هم بداست!! و این البته تناقض بزرگ و در نوع خود نموده ایست که نه فقط سران جناح خاتمی، بلکه پیغمده ترین دنباله روان آنهم می‌فهمند و از دچار شدن به آن پرهیز جسته و خلاصه این موضوع را میدانند که شعار قانونگرایی آقایان، شعار "یکار مصرف" نیست! فی الواقع هم کسیکه اصل قانون را به رسمیت شناخته و می‌خواهد در چارچوب نظام ولایت فقیه قدم بردارد، چکوندو با کدام استلال میتواند عمل به قانون توسعه یک جناح را نهی کند و در همان حال عمل به قانون توسعه جناح دیگرا تأیید کند؟ آخریک بام و بو هوا که نمی‌شود!

البته آنکه از نزدیک دستی بر آتش دارند و خود طراح و پیشبرنده این شعارها بوده‌اند، رفتار دیگری دارند. اعتراف آقای شمس‌الواعظین سردبیر سابق "جامعه" نه به قانون، بلکه به این بود که قوه قضائیه نفهمیده است تلاش روزنامه جامعه "امیدوار کردن مردم به راهکارهای قانونی و گریز گاههای آن بوده است" (توضیح ۸ مرداد ۷۷) آقای رئیس جمهور نیز در همان گفتگوی تلفنی که ذکر آن رفت و در پاسخ به یکی از رای دهنده‌گانش که پرسیده بود آیا شما در رابطه با اقدامات جناح مخالف معاشات نمی‌کنید؟ بعد از آنکه به وجود اختلاف نظر میان جناح ها اشاره کرد، تصریح نمود آنچه قرار است در این میان "داوری" کند، هماناً "قانون" است و "قانون هم قانون اساسی است"! این حرف ها همه بعد از قضیه کرباسچی، استیضاح و برکناری وزیر کشور و احکام دادگاههای مطبوعات زده شده است! این درست است که اختلاف و نزاع میان جناح هاست، اما سران آنها در هر حال تاکید می‌کنند که "فصل الخطاب آن قانون است"! و قانونگرایان و دنباله روندگان خاتمی چهارهای دارند و چه حرف حسابی دارند جز آنکه برغم نق زدهایی ای اثر نتایج آنرا دیریافت و بدان گردند نهند؟

جنابهای حکومتی از "چپ" و "راست" اش تابع حکومت اسلامی اند و به آن وفا دارند و جز این هم نمی‌تواند باشد. "راست" اش در رسالت مینویسد "اگر میان فرزندان انقلاب اختلاف سلیقه پیدا شود فصل الخطاب آن قانون است" و اضافه می‌کند که جناحها در رابر "حکمیت قانون" آنقدر اشتراک منافع دارند تا زیستهای های خویش دست بشویند! و "چپ" اش که آقای عباس عبدی دانشجوی سابق "خط امام" باشد نیز می‌گوید "جز پذیرش قانون"، "راه دیگری وجود ندارد" و نهایت خبرگی اش را جهت استفاده از قانون برای برونو رفت از بحران بکار می‌اندازو به جناح مسلط دلسوزانه هشدار میدهد که با حذف دیگران مردم را بسمت زورو خشونت سوق ندهد" اکنون که حاکمیت قانون بصورت یک باور عمومی در آمده است این بهترین فرصت برای برونو رفت از بحران است. استفاده یک جانبه برای حذف دیگران مردم را بسمت زور و خشونت سوق میدهد که این به نفع نظام

## جلاد اوین به قتل رسید

اسالله لا جوردی که مدت‌ها در سمت رئیس دادگاه انقلاب اسلامی تهران، رئیس زندان اوین، و سازمان زندانها، دهها هزار تن از مخالفین رئیس جمهوری اسلامی را به جوشه اعدام سپرد و در قسوت و بی‌رحمی تا بدانجا پیش رفت که در میان مردم ایران به جlad اوین معروف شد پیش از ظهر امروز به قتل رسید.

خبرگزاری جمهوری اسلامی که خبر مرگ این جیوان کلیف را مخابره نمود، گزارش داد که وی در بازار تهران توسط یک جوان مسلح به قتل رسید. برادر لا جوردی و یکی از همراهان او نیز در جریان درگیری به قتل رسیدند و تعادی نیز زخمی شدند.

مقامات دولتگاه قضائی حکومت اسلامی در حالیکه خبر دستگیری یک نفر را منتشر ساختند، اطلاعات بیشتری در مورد این مسئله ندادند. اما می‌توان دو اختلال را در

## انفجار مجدد در مجتمع پتروشیمی کارگر

در اوایل خردادماه در اثر انفجاری که در یکی از مخازن بنzin در مجتمع پتروشیمی اراک، رخ داد، ۶ کارگر دچار شوختگی شدید شدند. این حادثه هنگامی روی داد که چند تن از کارگران مشغول تمیز کردن داخل مخزن بودند. شدت شوختگی کارگران به حدی بود که مقامات شرکت اعلام نمودند، یکی از کارگران را برای مداوا به انگلکیس منتقل کرده اند. سال گذشته نیز در حادثه مشابهی ۱۰ تن از کارگران پتروشیمی اراک جان باختند. تکرار این حادثه نشان میدهد که مدیران و کارگران این امکانات این‌عنی لازم را فراهم نمی‌کنند و با جان و زندگی کارگران بازی می‌کنند.

## حوادث ناشی از کار

روز شنبه ۱۹ مرداد، سازمان تامین اجتماعی طی صدور اطلاع‌اعیایی، آمار حوادث ناشی از کار دردو ماهه اول سال جاری را انتشار داد. آمار انتشار یافته حاکی از آن است که در این مدت در اثر حوادث ناشی از کار، دهها تن جان خود را از داده‌ها یا دچار از کارافتادگی شده‌اند. طبق موارد مندرج در این اطلاع‌اعیایی، طرف دوماهه فروردین و اردیبهشت، ۱۵۲۰ اتفاق افتاده است که در این مدت در اثر حادثه این اتفاقی از طرف سران حکومت دستور می‌گرفته است توسط خود رئیس تور شده تا این اسرار را به همراه خود به گور ببرد. اما تنبیهات حکومت اسلامی عربان تراز آن هستند که با مرگ حیواناتی امثال لاجوردی، کسی بتواند بر آنها سرپوش بگذارد.

دور نیست روزی که سران و دست اندکاران جنایت‌کار جمهوری اسلامی، همگی به پای میز محکمه دادگاه‌های خلقی کشیده شوند و به جرم جنایت علیه بشیریت به سازی اعمال ننگین خود برسند.

سازمان فناوریان (اقلیت)  
۱۳۷۷/۶/۱

اشتغال کشور، از ۹۰ درصد در سال ۱۲۸۵ به ۸۵ درصد در سال ۱۳۲۵ و ۳۴ درصد در سال ۵۵ کاهش و بالاخره حدود ۲۲ درصد در سال ۷۵ کاهش یافته است "نام بردۀ علاوه بر این مسائل، از وجود صدھا هزار خردۀ مالک نیز بعنوان عامل پایدارنده "توسعه" در بخش کشاورزی یاد کرد و گفت "در حال حاضر بالغ بر ۹۰۰ هزار بهره بردار خرد با اراضی کشاورزی زیر یک هکتار در کشور فعالیت می‌کنند و این افراد حتی در صورت تامین نقینگی توان جذب آنرا ندارند که این امر یکی دیگر از عوامل بازدارنده توسعه کشاورزی است"

## تشکل‌های کارگری وابسته نیز صدایشان در آمد است.

مشکلات عدیده کارگران و فشار بردوش آنها آنقدر زیاد شده است که اکنون در تشکل‌های کارگری وابسته به رئیس نیز به آن اشاره می‌شود. در همین رابطه در جریان برگزاری سومین کنگره شوراهای اسلامی کار رمازندران که از جمله مجوب دیر کل خانه کارگر هم در آن حضور داشت، دریا بیکاری دیگر خانه کارگر این استان به پارهای از مشکلات کارگران این استان از قبیل پائین بودن دستمزدها، بیکاری، قراردادهای وقت کار و مسائل دیگری از این قبیل اشاره کرد و از تشید فشار بر کارگران اظهار گلایه نمود. قابل ذکر است که جمعی از کارگران بامراجده مستقیم به نمایندگان رساندهای گروهی، به طرح مشکلات خویش از جمله پائین بودن دستمزدها، مشکلات درمان، مشکل مسکن، عدم جذب کارگران و خودداری از بیمه نمودن آنان، پرداختند و خواستار آن شدند که مسئولین مربوطه به این مشکلات رسیدگی کنند.

## اخباری از ایران

### اعتراض کارگران نفت

جمع زیادی از کارگران چاه نفت شماره یک کبود که با ارسال یک پایان‌نامه اعتراضی به مطبوعات، خواهان پرداخت ۷ ماه حقوق و مزایای عقب افتاده خود شدند. قابل ذکر است که چاه نفت شماره یک کبود که در شهرستان آبدانان واقع شده و زیر نظر شرکت نفت اهواز اداره می‌شود. از جمله دیگر مسائلی که کارگران در نامه اعتراضی خود مطرح کرده اند، نامشخص بودن وضعیت استخدامی و پائین بودن سطح دستمزدهاست. کارگران در این نامه اعتراضی از جمله چنین نوشتند: "ما کارگران ... از ۷ ماه پیش حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده‌ایم و با اینکه از سال ۷۲ در شرکت نفت کار می‌کنیم، هنوز وضع استخدامی مشخصی نداریم. با وجود وضعیت بد آب و هوای منطقه و گرمای طاقت فرسای آن، حقوق ما ۳۰ هزار تومان است" در انتهای نامه کارگران خواستار آن شده‌اند که به مشکلات‌شان رسیدگی شود.

### اعتراض کارگران صنایع چوب ایران

کارگران صنایع چوب ایران در اعتراض به عدم دریافت ۵ ماهه حقوق خود، روز ۲۸ مرداد در برابر فروشگاه مرکزی این شرکت واقع در خیابان ولی‌عصر احتجام نمودند. این کارگران که تعداد آنها ۳۰۰ نفر از ناحیه دست و پا و انگشت آسیب دیده اند. همچنین ۱۸ نفر از بیمه شده گان جان خود را از داده‌ها ۳۹ تن دیگر دچار از کارافتادگی کلی و جزئی شده اند! در این اطلاع‌اعیای طبق معمول بی‌احتیاطی کارگران! (و نه حرص و لول سرمایه داران در کسب سود بیشتر و کارکشیدن از کارگران) عدم استقاده از وسائل این‌عنی؟! (و نه نیود و سائل این‌عنی) از جمله دلایل این حوادث اعلام شده است.

### ابعاد هولناک بیکاری

مخبر کمیسیون امور اجتماعی مجلس ارتجاع اسلامی، اعلام کرد هم اکنون حدود ۲ میلیون نفر بیکار از وزارت کار و امور اجتماعی متقاضی کار هستند. از این عدد ۵۰۰ هزار نفر تحصیلات داشتگاهی دارند. در همین حال می‌دیر کل فنی و حرفة ای آموزش و پرورش در گردهم ائم کارشناسان فنی و حرفة ای کشوف در ارومیه گفت: "براساس آمار موجود ۶/۲ میلیون نفر از دانشآموزان ۱۵ تا ۱۹ ساله‌ای که در سال ۷۵ شاغل به تحصیل بوده اند، هم اکنون به افراد جویای کار اضافه شده‌اند."

### ۹۰ هزار بیکار در اصفهان

سپریست اداره کل کار و امور اجتماعی استان اصفهان اعلام کرد که در سال گذشته ۴۲ هزار و ۱۴۲ نفر جویای کار در ادارات کاراین منطقه ثبت نام کرده اند. وی پس از آنکه از بیکاری بعنوان یکی از مشکلات بزرگ استان اصفهان یاد کرد چنین اضافه نمود که هم اکنون بیش از ۹۰ هزار نفر از جمعیت فعل این استان بیکار می‌باشند.

### سرمایه گذاری و سهم اشتغال در کشاورزی

عیسی کلانتری وزیر کشاورزی رئیس گفت: "سرمایه گذاری ثابت در بخش کشاورزی در سال ۵۴ میلیارد ریال بود که این مقدار در سال ۷۵ به ۲۰۱ میلیارد ریال کاهش یافته است" وی کمتر از ۱۰۰ میلیارد ریال کاهش یافته است" وی در مورد سهم اشتغال در بخش کشاورزی گفت "سهم اشتغال در بخش کشاورزی در مقایسه با کل

### اجتماع کارگران کارخانه چچ تهران

حدود ۵۰ تن از کارگران کارخانه چچ تهران زیاد شهربوردر محل دفتر این شرکت در خیابان سلمان خاطر اجتماع نمودند. کارگران معتبر بخیرنگاران گفتند که کارخانه چچ تهران از سال ۷۵ دست به اخراج کارگران زده و تعدادی از کارگران باز خرید شدند. بر طبق توافقات صورت گرفته، قرار بود کارگران به ازای هر سال، ۳ماه و ۲۶ روز حقوق باز خرید شوند و ۵۰ نفر باقیمانده نیز تنها حدود ۴۰ درصد از سالوات خود را دریافت کرده اند، اکنون کارفرما از پرداخت مابقی مبلغ مورد توافق خودداری می‌کند.

### اعتراض کارگران

#### شرکت خانه گسترش طرح اخراج

کارگران شرکت خانه گسترش وابسته به وزارت مسکن، طی نامه‌ای به مطبوعات، نسبت به اقدام این شرکت برای اخراج گروهی از کارگران اعتراض کردند. کارگران در این نامه نوشتند: که شرکت خانه گسترش به بهانه تعديل نیرو، قصد دارد گروهی از کارگران را اخراج کند. کارگران از اجرای این طرح ابراز نگرانی کرده‌اند.

#### راهپیمایی کارگران نفت آبادان

روزنامه کاروکارگر خبر داده که در ۲۲ مرداد، تعدادی از کارگران نفت آبادان بخاطر اعتراض به پائین بودن دستمزد و تقاضای افزایش حقوق خود دست به راه پیمایی زدند. روزنامه کار و کارگر تعداد کارگران را ۱۰۰ تن گزارش کرد.





## گزیده ای از نامه های رسیده

توضیح کوتاهی برستون گزیده ای از نامه های رسیده

رفقا و دوستانی که برای ما نامه می نویسند، چنانچه مایل نیستند نام آنها در نشریه کار آوردند شود، توجه و اشته باشند که خودشان این موضوع را در نامه قید کنند. عدم تذکر این مسئله، بمعنی عدم مخالفت نویسنده نامه بدرج نام خود در نشریه کار میباشد و در این صورت نشریه کار شبست به درج نام نویسنده تصمیم میگیرد.

تحریریه کاردرگرگیش نامه ها برای درج در نشریه کار و کوتاه کردن آنها حجاز است.

نشریه کار این اختیار را دارد که قسمت یا قسمت هایی از نامه های رسیده و همچنین یادداشت هایی را که از تشکلهای دمکراتیک دریافت میکنند، انتخاب کرده و آنرا بچاپ برساند. درج این مطلب، لزوماً بمعنی تائید موضع نویسنده کنندگان نامه و یا تشکلهای نمیباشد.

از همه رفقا و دوستانی که برای ما نامه می نویسند در خواست میکنیم نامه خود را اگر تایپ نمیکنند، با خط خوانا بنویسند. تاریخ ارسال و نام خویشا در نامه قید کنند و آدرس فرستنده را نیز با حروف درشت و در هر حال بطور خوانا بنویسند. با تشکر قبلی

\*\*\*\*

**آلمان** - دوست عزیزی (م\_ر\_د) از آلمان برایمان نامه ای نوشته اند و ضمن ابراز لطف شبست به سازمان، به نشریه کار و مطالعه آن اظهار علاقه کرده اند. هم چنین خواستار اهمانی در زمینه آشنا نی بیشتر با موضع و برنامه سازمان شده و در مورد نحوه اشتراک نشریه سؤال کرده اند.

باطلاع این دوست عزیزمیرسانیم که بزودی انتشارات سازمان با شما تماس خواهد گرفت و همراه نشریه کار، شرایط اشتراک را برایتان ارسال خواهد کرد. همچنین آدرس شماره را از تشكیلات خارج کشور سازمان قراردادیم تا نسبت به سایر درخواستهای شما تصمیم لازم اتخاذ شود. پیروز باشید.

**بلژیک** - رفیق (ش\_غ) نامه محبت آمیز شما را دریافت کردیم. با تشکر از گزارش کوتاهی که در مورد بدتر شدن شرایط پناهندگی و تشدید فشار بر پناهجویان در بلژیک ارسل کرده اید، باطلاع شما میرسانیم که مبلغ ۲۰۰ فرانک کمک مالی شماورفیق (۵) را نیز دریافت نمودیم. در رابطه با نشریه کار، بخش انتشارات شرایط آبونه را برایتان ارسال نموده امیدواریم به دستگان رسیده باشد. با تشکر مجدد با خاطر نامه کمک مالی، بازهم برایمان نامه بنویسید.

**سوئیس** - نامه ای با امضا "مدرسه زبان و فرهنگ فارسی" بدمستان رسیده که در آن از جمله عنوان شده است "گروهی از معلمین ایرانی مقیم سوئیس" بین اقدام به ایجاد مدرسه ای برای کودکان پناهندگ و مهاجر ایرانی نموده اند". . . و چون والدین ایرانی خواستار استفاده از نشریه ما میباشد، خواسته اند تا نشریه کار را برای ایشان ارسال کنیم. بهر حال آدرس ایشان در اختیار انتشارات سازمان قرار گرفت تا شبست به ارسال نشریه اقام شود.

چند نفره در اطراف دفتر مرکزی این شرکت تجمع کرده و در مورد این حرکت خود به عابرین و سرنشیزان اتومبیله ای که از محل عبور میگردند، توضیحاتی دادند.

از جمله سایر حرکات کارگری در آمریکا، اعتراض کارگران اتحادیه ساختمانی به استخدام کارگران غیر عضو بود. ۴۰ هزار کارگر ساختمانی روز ۳۰ ژوئن دست از کار کشیدند و در نیویورک به راه پیمانی پرداختند. در جریان این حرکت، پلیس ضمن مسدود کردن مسیر راهپیمایی به آنها حمله ور شد که متعاقباً ۲۰ نفر زخمی و ۲۸ تن دستگیر شدند.

### اعتراضات کارگری در آفریقای جنوبی

روز ۷ اوت ۲۱ هزار تن از کارگران کارخانهای اتومبیل سازی آفریقای جنوبی از جمله کارگران فولکس واگن و ب. ام. و، دست به یک اعتراض نامحدود زدند. خواست کارگران در این حرکت، افزایش و یکسان سازی سطح دستمزد ها بود. این اعتراض سرانجام پس از ۱۲ روز با عقب نشینی کارفرمایان و پذیرش خواست کارگران مبنی بر افزایش دستمزد ها به میزان ۲۰ درصد طی سه سال آینده، خاتمه یافت.

روز ۱۰ اوت نیز، ۴۷ هزار کارگر صنایع شیمیایی آفریقای جنوبی با خواست افزایش دستمزد به میزان حداقل ۱۱ درصد، دست به اعتراض زدند. اعتضابیون با تجمع در مقابل درهای ورودی انبار های نفت در چند شهر آفریقای جنوبی، از توزیع مواد سوختی جلو گیری نمودند.

### اعتراضات کارگری علیه

**روند خصوصی سازی در برزیل** با اعلام خبر مربوط به واگذاری شرکت تلفن دولتی برزیل Telebras به بخش خصوصی در روز ۲۹ ژوئیه، موجی از خشم و نفرت کارگران برزیل را فراگرفت. بلافتاله بیش از ۱۰ هزار فعالین کارگری و "جنش دهقانان بی زمین" داشتند و با مأمورین پلیس به زد و خورد پرداختند. نیروهای سرکوبگر برای متفرق نمودن مردم خشمگین اقدام به شلیک گاز اشک آور نموده و با مشاهده مبارزه جوئی تظاهر کنندگان به روی آنها آتش گشوده و عده ای را زخمی نمودند. تظاهر کنندگان راههای منتهی به ساختهای بورس را مسدود نموده و با آتش زدن لاستیک و پرتاب سنگ و کوکتل مولوتوف به حملات وحشیانه پلیس پاسخ گفتند.

### اعتراض به قتل فعالین کارگری در کلمبیا

روز ۲۴ ژوئیه، صدها نفر از دهقانان و معدنچیان منطقه Bolívar در جنوب کلمبیا در مقابل سفارت آمریکا در شهر "بوگوتا" پایتخت این کشور، دست به تظاهرات زدند.

### اعتراضات کارگری در آمریکا

روز ۱۲ اوت، تنها چند روز پس از خاتمه اعتراض پیروزمند کارگران جنرال موتورز در شهر Flint در ایالت میشیگان، ۷۳ هزار کارگر شرکت تلفن Bell Atlantic دست به اعتراض زدند. این حرکت در پی به بن بست رسیدن مذاکرات

مربوط به تجدید قراردادهای دسته جمعی انجام گرفت. خواست کارگران دراین دور از مذاکرات عبارت بود از:

توقف استخدام کارگران نیمه وقت و غیر عضو در اتحادیه کارگران مخابرات آمریکا (CWA) توقف خصوصی سازی بخشی از عملیات این شرکت.

در عین حال مقامات شرکت مذکور، که بزرگ ترین شرکت تلفن در آمریکاست، تلاش نمودند با اعمال فشار به کارمندان، از آنها به عنوان اعتراض شکن استفاده کنند. اما کارگران با تجمع در مقابل دفاتر این شرکت از این اقدام جلوگیری نمودند. سرانجام پس از ۲ روز، کارگران بخش اعظم خواسته ای خود را کسب نمودند و کارفرمایان را وادار به عقب نشینی کردند. بدنبال پیروزی اعتراض فوق، ۲۵ هزار کارگر

شرکت تلفن US West نیز از روز ۱۶ اوت دست از کار کشیدند. این اعتراض در پی مخالفت کارفرمایان با خواسته های کارگران در جریان مذاکرات مربوط به تجدید قراردادهای دسته جمعی انجام گرفت. کارگران با اقدامات کارفرمایان مبنی بر تحیيل اضافه کاری بدون پرداخت اضافه دستمزد به شدت مخالفت کرده و خواهان توقف فوری این اقدامات و افزایش امکانات رفاهی خود شدند. در حالیکه تعداد مشترکین این شرکت ۲۵ درصد افزایش یافته و تعداد مشترکین آن در حال حاضر به ۲۱ میلیون در ۱۴ ایالت آمریکا رسیده است، مدیریت این شرکت دست به اخراج کارگران تمام وقت عضو اتحادیه کارگران مخابرات آمریکا (س. و. آ) زده و سایر کارگران را روزانه ۱۲ تا ۱۴ ساعت و بدون پرداخت اضافه دستمزد به کار واداشته است.

در دومین هفته اعتراض کارگران Us West ۶۳۰۰ کارگر شرکت تلفن SNET در ایالت کانتیکات نیز دست به یک اعتراض نامحدود زدند. علت اعتراض کارگران، به بن بست رسیدن مذاکرات مربوط به تجدید قراردادهای دسته جمعی باندیشگان کارفرمایی داشت. کارگران در این دور از مذاکرات، خواهان افزایش دستمزد ها و یکسان سازی دستمزد های خود شدند. اعتضابیون با تشکیل گروههای

از اولین پی آمدهای این و خامت اوضاع مالی، تعویق افتادن دستمزدهای میلیونها کارگر در سراسر روسیه بوده که ماهه است در نهایت فقر به زندگی ادامه میدهد. معدنچیان روسیه برای دریافت دستمزدهای معوقه خود، به مبارزه همه جانبی ای علیه دولت یلتسین دست زده اند. از جمله این اقدامات اعتراضی، اشغال خط آهن ماورا سبیری در منطقه چلابینسک توسط صدھا کارگر معدن و خانواده هایی آنها از روز ۲۷ ژوئیه بوده است. همزمان با این حرکت، معدنچیان جزیره ساخالین در جنوب ژاپن، از ورود مواد سوختی به تنها نیروگاه این جزیره جلوگیری نموده و تهدید نمودند که تمام این جزیره را به خاموشی خواهند کشید. در این میان دولت روسیه در اوج افلاس مالی و بحران سیاسی زبانی جز تهدید و زور برای پاسخگوئی به مطالبات برحق اعتضابیون نمی شناسد. مقامات دولت، معدنچیان را تهدید و اعلام نمودند که در صورت عدم خاتمه اشغال خطوط آهن و دیگر حرکات اعتراضی، قوای نظامی و پلیس را برای سرکوب اعتضابیون فراخواهند خواند. برغم این تهدیدات، معدنچیان با تداوم حرکت خود، در شهر مسکو با برپا کردن چادری در مقابل ساختمان پارلمان، هر روزه دست به برقائی حرکت اعتراضی زده و خواهان استعفای دولت یلتسین هستند. در منطقه Primorje، معدنچیان دفتر رئیس معدن را اشغال نموده و ضمن اعتضاب غذا، اعلام نمودند تا دریافت دستمزدهای معوقه خود، دفتر را ترک نخواهند کرد. روز ۸ اوت معدنچیان جزیره ساخالین گرچه با ورود مواد سوختی به نیروگاه موافقت کردند اما از اعتضاب خود دست نکشیدند. اتحادیه معدنچیان روسیه که ۶۰۰۰۰ عضو دارد اعلام نموده است چنانچه تا اول پائیز سال جاری، دستمزدهای معوقه پرداخت نگردد، تمامی راه آهن های خارج از مسکو توسط معدنچیان اشغال خواهد شد. با تشديد اوضاع مالی در روسیه و سقوط روبل، در اوائل سپتامبر، ساختمان پارلمان روسیه به تصرف صدھا معدنچی درآمد. معدنچیان با حمل پرچم های سرخ خواستار دریافت هر چه سریعتر دستمزدهای معوقه شدند.

لازم به ذکر است که علیرغم تبلیغات سو دولت علیه معدنچیان، اعتضاب کارگران معدن از حمایت های وسیع و گسترده مالی و معنوی توده های مردم و اتحادیه های کارگری برخوردار بوده است.

**اعتضاب کارگران "jet سرویس فرانسه با موقف پایان یافت**

کارگران "jet سرویس" (شرکت حمل و نقل محمولات کوچک در فرانسه) که از ژوئیه سال جاری در اعتراض به اخراج کارگران و به منظور افزایش دستمزد شب کاری، دست به اعتضاب زده بودند، پس از یکماه اعتضاب پیروزمند، به مطالبات خود دست یافتند. اتحادیه ث.آف.د.ت.

### اعتضابات کارگری در دانمارک در دهه ۹۰ میلادی

کارگران دانمارک همچون دیگر هم زنجیران خود در سراسر جهان، از سلاح اعتضاب برای دستیابی به اهداف خود و وادار نمودن سرمایه داران برای پذیرش مطالبات کارگران استفاده میکنند. در همین رابطه "شورای سراسری اتحادیه های کارگری دانمارک" اخیراً آمار اعتضابات کارگران در دهه ۹۰ میلادی را به چاپ رسانده است که به شرح زیر است:

سال	تعداد اعتضابیون	تعداد روز اعتضاب
۱۹۹۰	۳۷۳۸۶	۹۷۶۰۰
۱۹۹۱	۳۷۸۶۱	۷۰۰۰
۱۹۹۲	۳۲۹۳۸	۶۲۸۰۰
۱۹۹۳	۵۸۷۶۴	۱۱۳۷۰۰
۱۹۹۴	۳۶۷۸۸	۷۵۰۰۰
۱۹۹۵	۱۲۴۴۹۶	۱۹۷۳۰۰
۱۹۹۶	۶۱۳۱۴	۷۵۷۰۰
۱۹۹۷	۷۵۲۳۹	۱۰۱۷۰۰
۱۹۹۸	۴۵۰۰۰	۳۲۰۰۰۰
۱۹۹۹	۱۰۱۴۰۰	۱۰۱۴۰۰
۲۰۰۰	۱۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰

### بحران عمیق اقتصادی در روسیه و مبارزات کارگری

بحران عمیق اقتصادی سرتاسر روسیه را فرا گرفته و دولت بوریس یلتسین را با ورشکستگی مالی روپرتو کرده است. صندوق بین امالي پول، پرداخت وام ۲۰ میلیارد دلاری به این کشور را منوط به افزایش مالیات اقشار کم درآمد و انتقال باربیتر این بحران همه جانبی مالی به دوش کارگران و زحمتکشان نموده است.

این حرکت در اعتراض به حمایت مالی شرکت های استخراج طلای آمریکائی از باندهای شبه نظامی این کشور موسوم به "جوخه های مرگ" انجام گرفت. در سال گذشته بیش از ۲۰۰ نفر از فعالین کارگری این کشور به دست همین گروههای تروریستی به قتل رسیدند.

### اعتضاب کارگران

#### اتومبیل سازی در کره جنوبی

روز ۲۴ اوت، ۵ هزار نفر از کارگران کارخانه اتومبیل سازی Hyundai در شهر Ulsan، که از ۲۱ ژوئیه به اتفاق خانواده های خود در محل کارخانه تحصین نموده بودند، به حرکت خود خاتمه دادند. کارگران این کارخانه در اعتراض به اخراج ۱۵۰۰ نفر از اعضا "کنفراسیون اتحادیه های کارگری کره جنوبی" (kctu) دست از کار کشیده بودند. لازم به ذکر است که در سومین هفته اعتضاب، ۱۵ هزار پلیس ضد شورش تا دندان مسلح، محل تحصین کارگران را به محاصره درآورد و آماده حمله به اعتضابیون و خانواده های آنها بودند. اما در آخرین ساعت، توافقنامه ای بین نمایندگان دولت و اتحادیه مذکور به امضا رسید که بر مبنای آن مامورین پلیس محل تحصین را ترک نموده و کارگران نیز به اعتضاب خود خاتمه دادند. این توافقنامه از دو جهت دارای اهمیت بود: نخست اینکه برای اولین بار یکی از اتحادیه های کارگری با اخراج تعدادی از کارگران موافقت نمود و دوم اینکه، دولت کره جنوبی برای نخستین بار برای درهم شکستن اعتضاب "غیر قانونی" کارگران از دخالت مامورین پلیس ضد شورش خودداری نمود.



گوشه ای از تظاهرات کارگران در کره جنوبی

## تجاوز جنسی نظامیان و اسلامگرایان به زنان در اندونزی

عظیم علیه رژیم سوهارتو بوده اند، نظامیان، نقش عمده در حمله، دستگیری و تجاوز به زنان ایفا کرده اند. آنها با تعقیب زنان و انتقال آنان به مراکز و محلات خلوت، آنها را مورد تجاوز جنسی قرار داده اند. در بخشی از گزارش آمده است: "... در ۲۰ مورد از موارد گزارش شده، تجاوز و حمله فیزیکی و ضرب و شتم زنان، به مرگ آنان انجامیده است. هم اکنون در بیمارستانهای شهرهای بزرگ، دهها زن بخاطر اثرات فیزیکی و روانی ناشی از تجاوز جنسی طی دوره فوق، بستری میباشند."

در اوت سال جاری و بدنبال درج اخبار مربوط به این جنایات، صدها زن ضمیم تجمع در مقابل وزارت دفاع اندونزی در جاکارتا، خواستار رسیدگی به این مساله و مجازات مسببین آن شدند. تظاهرکنندگان با در دست داشتن پلاکاردهای که برآن شعار "مرگ بر حکومت ترور، ترس و تجاوز" نوشته شده بود، به مقامات هشدار دادند که در صورت عدم رسیدگی به خواست آنان، مساله را به نهادهای ذیصلاح تری ارجاع خواهند داد.

شایان ذکر است که بدنبال شکایات زنانی که مورد تجاوز قرار گرفته اند و افشا ن نقش نظامیان و اسلامگرایان در این حملات وحشیانه، مقامات و ارگانهای دولتی از پیگیری قضیه سرباز میزنند.

اقدام وحشیانه تجاوز جنسی به زنان همواره یکی از شیوه های معمول سرکوب بوده و هست. سرکوبگران خواه در زنانهای جمهوری اسلامی، خواه در جنگ ویتمام و یا در صحنه مبارزات تودهای در اندونزی دست به این عمل ضدانسانی و وحشیانه میزنند.

### گزیده ای از نامه های رسیده

شده است، این فستیوال که هرساله از تاریخ ۲۴ تا ۲۶ ژوئیه در مرکز شهر استکلهلم برگزار میگردد، به فعالیتهای هنری و فرهنگی گروههای مهاجر اختصاص دارد اما امسال رژیم جمهوری اسلامی با همکاری و مساعدت برگزارکنندگان بعنوان نماینده فرهنگ و هنر ایران به این فستیوال راه یافته بود که این مسئله اعتراض شدید نیروهای چپ و انقلابی وسایر مخالفین رژیم را برانگیخت. در جریان اعتراض ایرانیان، گاردهای محافظ چادر رژیم، به تظاهرکنندگان حمله کرده و به ضرب و شتم و دستگیری چندین تن از آنان می پردازند. در اثر این درگیری ها شماری از تظاهر کنندگان زخمی میشوند و بساط جمهوری اسلامی بهم مبریزد و در ضمن تعدادی از عوامل امنیتی و کارکنان سفارت رژیم نیز کشته میخورند.

در اثر پیگیری ها و تجمع تظاهر کنندگان تا پاسی از شب در برابر دفتر مرکزی پلیس، دستگیر شدگان آزاد میگردند.

اعمال ستم بزنان، به اشکال متعددی صورت میگیرد. یکی از آنها، تجاوز جنسی به زنان است. در اندونزی، جائی که طی ماههای اخیر صحنه مبارزات گسترده تودهای علیه دیکتاتوری سوهارتو و متعاقبا سرکوب و فشار، بوده است، تجاوز به زنان در مقیاس وسیع، یکی از شیوه های سرکوب بوده است.

بنابراین مذکوره از سوی سازمانها و نهادهای بین المللی حقوق بشر، طی ماههای مه و ژوئن سال جاری که مصادف با اوج گیری جنبش تودهای ای در این کشور بوده است، نظامیان و نیروهای اسلامگرا، صدها زن را وحشیانه مورد تجاوز جنسی قرار داده اند. کمیسیون ملی حقوق بشر جاکارتا ضمن اعلام این خبر، اظهار داشت تنها طی روزهای ۱۲ تا ۱۵ مه، ۱۶۸ نمونه تجاوز به زنان گزارش شده است. تحقیقات کمیسیون مذکور، حاکی از نقش مستقیم نیروهای نظامی و ارتضیان و همچنین اسلامگرایان در تجاوزات به زنان است.

در محل چینی ها، دهها زن فروشنده و صاحبین مقاذه هامورد حمله اسلامگرایان قرار گرفته اند، آنها "الله اکبر گویان" وارد مقاذه ها شده، به غارت پرداخته و زنان را مورد تجاوز جنسی قرار داده اند. آنها در دستگاه ۷ تا ۱۲ نفره به این مراکز حمله ور شده و هر یک به نوبت به زنان تجاوز کرده اند. دختران نوجوان از این حملات وحشیانه در امان نمانده اند. در گزارش فوق به تجاوز به یک دختر ۹ ساله اشاره شده است. او پس از اینکه مورد تجاوز ۱۲ مرد مهاجم مسلمان واقع میگردد، در اثر خونریزی شدید، کشته میشود.

این گزارش خاطرنشان میسازد، در شهرهای بزرگ اندونزی که محل برپائی تظاهرات های

با اعلام این خبر، افزوده است که کارفرمایان شرکت مذکور پذیرفته اند که کارگرانی که در معرض اخراج قرار داشته اند، به کار خود ادامه دهند. همچنین یازده فرانک به دستمزد بابت شب کاری اضافه خواهد شد. همچنین بخشی از دستمزد دوران اعتضاب فوق پرداخت میگردد. پیرامون کاهش ساعت کار به ۳۵ ساعت در هفت، کارفرمایان و عده داده اند که در ماه اکتبر با کارگران مذاکره نمایند.

### مشاغل خطرناک، اینمنی و بهداشت محیط کار در فرانسه

به گزارش وزارت کار و امور اجتماعی فرانسه، از هر ده مزدیگر (کارگر) یک نفر در معرض مواد سلطان زا قرار دارد. درصد مشاغلی که خطرناک تر معرفی شده اند عبارتند از: مکانیسینهای اتومبیل ۶۴ درصد، کارگران صنایع چوب ۴۸ درصد و سپس کارگران بخش ساختمان و نوب آهن و کشتی سازی.

مواد خطرناک به ترتیب اهمیت عبارتند از: روغن های معدنی ۵۱ درصد، گرد و غبار چوب ۱۸ درصد، امیانت ۹ درصد، انواع قیرها عرضه و بتزن عرضه. در همین گزارش آمده است که بیست هزار کارگر (۴/۴) درصد از کل دستمزد بکریان فرانسه) با روغن های معدنی و صد و هشتاد و پنج هزار کارگر صنایع چوب فرانسه با گرد و غبار چوب که سلطان زا هستند، سر و کار دارند.

وزارت کار و امور اجتماعی فرانسه در گزارش خود خاطر نشان ساخته است که با تهویه ای بهتر در محیط کار و نصب اتیکتها یعنی سازی میتوان از بسیاری خطرات جلوگیری کرد اما تنها ۱۰ درصد واحدهای تولیدی از دستگاههای تهویه کافی برخوردارند.

### حوادث ناشی از کار در فرانسه

"صندوق ملی بیمه بیماری" در گزارش سالانه خود، تعداد کسانی که در سال ۹۶ دچار بیماری و حوادث ناشی از کار گردیده اند را ۱۲۶۸۶ نفر ذکر کرد که از این تعداد ۵۱ مورد به مرگ منتهی شده است. در همین گزارش در سال ۹۷، ۹۷ مورد حادث کاری در سطح فرانسه ثبت شده که در مقایسه با سال قبل از آن ۱/۶ درصد افزایش را نشان میدهد.

**ترکیه:** قریب به ۱۴۰۰ کارگر شاغل در پایگاه نظامی آمریکا در ترکیه که محل سکونت ۵۳۰۰ نظامی آمریکائی و خانواده های آنان میباشد، از ۲۲ ژوئیه سال جاری دست به اعتضاب زدند. اعتضابیون خواهان افزایش دستمزد ها متناسب با نرخ تورم میباشند.

**ایرلند:** در نیمه دوم ژوئیه سال جاری، صدها تن از کارگران و رانندگان لکوموتیو در ایرلند در اعتضاب به شرایط طاقت فرسا و طولانی کار دست از کار کشیدند. هم اکنون رانندگان لکوموتیو به ۶۰ تا ۶۵ ساعت کار در هفته واداشته میشوند. اعتضابیون خواهان کاهش ساعت کار به ۴۰ ساعت در هفته میباشند.



## قتل عام زندانیان سیاسی ، اوج توحش و بربوت حکومت اسلامی !

جمهوری اسلامی در طول تمام دوران حیات خود در ایران جز فقر و تباہی گسترد، جنگ و ویرانی، اختناق و سرکوب، زندان و شکنجه و کشتار دهها هزار تن از مردم ایران، ارمغان دیگری نداشته است. جنایاتی که این رژیم، طی ۲۰ سال حاکیت ننگیخود، مرتکب شده است، حقیقتاً در مقیاس جهانی کم نظیراند. بازترین نمونه از این جنایات هولناک ضد بشری، قتل عام زندانیان سیاسی ایران در ۱۳۶۷ است. رژیم تبهکار جمهوری اسلامی، در این سال به یکی از وحشیانه ترین شیوه های سرکوب متول شد و طی چند روز از مرداد تا شهریور ماه، هزاران زندانی سیاسی را گروه گروه به جوخه اعدام سپرد و با این جنایت، توحش و بربوت حکومت اسلامی را به حد اعلاه رساند.

وحشیانه بودن این اقدام تنها در این نبود که در مدتی کوتاه چندین هزار تن از مردم ایران، دسته دسته به جوخه اعدام سپرد شدند، چرا که جمهوری اسلامی بویژه از سال ۶۰، نمونه های فراوانی از کشتارهای دستجمعی داشت و این ددمنشی ذاتی حکومت اسلامی بوده است. اوج توحش در اینجاست که هزاران انسانی که پس از تحمل شکنجه های وحشتناک قرون وسطانی، در بیدادگاههای حکومت اسلامی به زندان محکوم شده بودند و سالها از عمر خود را در زندان سپری کرده بودند و حتی دوره محکومیت گروهی از آنها سپری شده بود، مجدداً به محکمه چند دقیقه ای تفتیش عقاید فراخوانده شدند و دسته دسته اعدام شدند.

پاسداران حکومت الله و در رأس آنها خمینی ددمش، تصور میکردند که با درهم شکستن این سنگر مقاومت، برای همیشه خود را از شر مخالفین حکومت رها خواهند کرد و با گسترش فضای رعب و وحشت، بی دغدغه به حاکمیت خود ادامه خواهند داد. اما چه خیال باطلی ! این پاسداران جهل و خرافات، ارتتعاج و ستمگری نفهمیده اند که تا ظلم و ستم و اختناق هست، مبارزه نیز ادامه خواهد یافت. لذا مردم ایران نه تنها آرام نگرفتند و در برایر ددمنشی های حکومت عقب نشستند، بلکه در ابعادی وسیع تر به مبارزه خود ادامه دادند. جنبش های اعتراضی توده ای از اولین دهه ۷۰ سراسر ایران را فراگرفت. این مبارزه در تداوم خود، رژیم را با بحرانی جدی روپرورد نمود. تا بدانجا که امروز گروهی از طرفداران رژیم نیز به شکست سیاستهای جمهوری اسلامی و بنست آن اعتراض می کنند. در این میان جناح هایی از رژیم در تلاش اند تا با وعده و عیدهای باصطلاح آزادیخواهانه، مردم را فریب دهند. آنها را از مبارزه برای سرنگونی رژیم دور سازند و رژیم را نجات دهند. این جناح ها که امروز در رأس آنها خاتمی، یعنی کسی که سالها در رأس دستگاه ساسور و تفتیش حکومت اسلامی بوده است، قرار دارد، ادعای میکنند که آنها مبشر اسلامی آزادیخواه هستند. اما توده های مردم ایران با این ادعاهای وعده های پوچ، آشناشی دارند. آنها یک میدانند که خمینی نیز با همین ادعاهای جنبش انقلابی مردم ایران را به شکست کشاند.

مردم ایران به تجویه دریافتنه اند که حکومت مذهبی دشمن آزادی و دمکراسی است. تفاوتی نمی کنند که این حکومت مذهبی جمهوری اسلامی ایران باشد، یا حکومت طالبان در افغانستان و یا حکومت عربستان سعودی. توحش و بربوت، در دات حکومت مذهبی است.

رژیم جمهوری اسلامی تا زمانی که به حیات خود ادامه دهد، شره دیگری جز سرکوب و اختناق و کشتار نخواهد داشت. راه نجات مردم ایران، سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برانداختن همه جناح های آن است.

سازمان فدائیان (اقیلت) به مناسبت ۱۰ شهریور سالروز قتل عام زندانیان سیاسی، ضمن ابراز همدردی و همبستگی با خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی، توده مردم ایران را به تشیید مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی فرا می خواند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی  
سازمان فدائیان (اقیلت)  
شهریور ماه ۱۳۷۷

## اعتراض فدراسیون شیمی FO به

### اقدامات ضدکارگری رژیم علیه کارگران صنعت نفت

با تلاش فعالین سازمان در فرانسه، فدراسیون شیمی FO طی نامه ای به محمد خاتمی، که برای وزیر نفت جمهوری اسلامی و کنفدراسیون بین المللی ICEM نیز ارسال گردید، از مطالبات کارگران صنعت نفت دفاع نمود، و اقدامات دولت را علیه کارگران محکوم کرد. در زیر متن نامه خطاب به محمد خاتمی را می خوانید.

(Force Ouvrière) فدراسیون شیمی (اتم، کائوچو، شیمی، نفت، پلاستیک، شیشه)

آقای خاتمی - رئیس جمهور اسلامی ایران  
خیابان فلسطین - تقاطع آذربایجان  
تهران - ایران  
پاریس، ۸/ سپتامبر ۱۹۹۸

آقای رئیس جمهور،

کارگران نفت کشورشما، مارا از خشونتها روزمره به همراه ناپایداری شغلی و اخراج مطلع نمودند، مانند اخراج هائی که اخیراً در مورد ۱۶۰۰ کارگر پالایشگاه نفت آبادان در نظر گرفته شده است.

در نتیجه ما با توجه به مستولیت تان از شما میخواهیم که

کارگران اخراجی به کارهای خود باز گردند،  
مذاکرات برای انعقاد قرارداد دسته جمعی در صنعت نفت آغاز شوند،  
نایابیاری شغلی از میان برده شود،  
به سرکوب کارگران پایان داده شود.

توسعه اقتصادی و صنعتی بدون توسعه اجتماعی ناممکن است.

آقای رئیس جمهور، بدانید که ما هرگونه تجاوز را به شان کارگران هرکشواری محکوم میکنیم  
ما اقدامات شما را برای حل مسئله دنیال می کنیم.  
آقای رئیس جمهور، درودهای صمیمانه ما را بپنیرید.

میشل دو کایو

دیر اول فدراسیون شیمی FO

مصاحبه با یکی از . . .

دیگر کمک بکریم واین، کار مارا مشکل میکند.

**سوال ۹** در شرایط فعلی حزب شما آیا به مسئله کسب قدرت سیاسی توسعه طبقه کارگر فکر میکند؟

چ - مسلمان، بدون هیچ شکی ! یعنوان یک حزب مارکسیست - لینینست نمی توانیم ازین مسئله چشم پوشیم. ولی همانطور که گفتم حزب ما متاسفانه در حال حاضر قدرت رهبری طبقه کارگر برای کسب قدرت سیاسی را ندارد، این مسئله نیاز به شرایطی دارد که با شدت یافتن و وخیم شدن اوضاع سیاسی - اجتماعی - اقتصادی میسر است.

**سوال ۱۰** اجازه بدھید یک سوال هم درمورد کارگران ایران مطرح کنم. شما

حتماً میدانید که کارگران ایران در شرایط بسیار سخت و دشواری بسیار میبرند، از حقوق انتصاف و داشتن تشکل های مستقل کارگری نظیر اتحادیه و فدراسیونهای کارگری وغیره محرومند. معهداً برغم این محدودیتها مبارزه و اعتراض کارگری بویژه در یک سال اخیر از شد چشمگیری برخوردار بوده است. حزب شما آیا زمینه حمایت و پشتیبانی از مبارزه کارگران ایران اقدام معینی انجام داده است؟ و اصولاً آیا علاقه و تمایلی در این زمینه وجود دارد؟

چ - به شکل حزب تاحالا هیچگونه کمک نبوده است، اگر چهاعضای کما بیش در فعالیت های سیاسی نیروهای ایرانی شرکت داشته اند. ما اوضاع جهانی را به

بحث میگذاریم، از جمله مسئله ایران، ولی بصورت مشخص کاری صورت نگرفته. علت آنهم دو چیز است. اول اینکه حاد شدن مشکلات اقتصادی سوئی، جذابیت مسائل بین المللی را تحت اشعاع خود قرار داده است و ما هم با توجه

به این شرایط مجبوریم به مسائل سوئی پردازیم. نکته دیگر اینکه رفقای ایرانی در بحث های درونی ما شرکت نمی کنند و درنتیجه نمی توان اعضای حزب را

تشویق کرد که به کمک دامن زدن بحث هائی در مورد ایران، آنها فعالیتهای مختلفی را نیز سازمان دهند. البته این مسئله نیز تحت تاثیر دلیل اول است

من فک میکنم که با تماشای بهتر بتوان چنین شرایطی را بوجود آورد. در پایان از شما تشکر میکنیم که این وقت را بما دادید و برای شما و حزبتان آرزوی موفقیت داریم.

## با پشتیبانی خود از نفتگران پروژه‌ای

اطلاعیه مشترک

### از اخراج آنها جلو گیری کنیم

خبر رسیده حاکی از آن است که، جمهوری اسلامی که از دو سال پیش با سپردن کار کارگران پروژه‌ای به پیمانکارانی که از کارمندان عالیرتبه و باز نشسته وزارت نفت میباشدند، مقدمات اخراج این کارگران را فراهم کرده بود، اعلام داشته که میخواهد ۱۶۰۰ نفر از کارگران پروژه‌ای پالایشگاه نفت آبادان را اخراج کند. اینها کارگران ماهری هستند که اکثر دارای ۸ سال سابقه کارمیباشند.

کارگران به اخراج خود اعتراض کردند که در تیجه وزارت نفت هیأتی را برای مناکره با آبادان اعزام کرد. بنا به تصمیم این هیأت در ازاء پرداخت چند ماه حقوق، بیکارسازی ها عملی خواهند شد. نفتگران پروژه‌ای اعلام داشته اند که حاضر به قبول پیشنهاد دولت نبوده و درین هفته با برگزاری اجتماعاتی، درخواست لغو تصمیم هیأت اعزامی از تهران را کرده اند.

جمهوری اسلامی که تاکنون از پنیش مطالبات اصلی نفتگران بوجیه انعقاد پیمان دسته جمعی سریاز زده است، بجای مناکره با نمایندگان سراسری آنها، با نمایندگان واحدهای پراکنده به مناکره پرداخته، همواره سعی کرده است تا با توسل به بهانه ها وحیل مختلف، درین کارگران نفاق افکنده و مانع اتحاد و همبستگی آنها شود. حال نیز این حکومت میخواهد صدھا تن از کارگران پروژه‌ای را اخراج کند. کارگران نفت که در دو سال اخیر درگیر مبارزه ای سخت و خونین با جمهوری اسلامی بوده اند، بایستی در مقابل این اخراج ها و تعرضات ایستادگی کرده و مانع عملی شدن ترفندهای رژیم باشند. تعرض به هریشی از کارگران، تعرض به تمام کارگران است. تنها راه مؤثر جلوگیری از اجحافات رژیم، ایجاد تشکل مستقل کارگری و همبستگی تمام واحدهای شرکت نفت است. کارگران پروژه‌ای باید به استخدام دائمی در آیند و این جز با حمایت فعال تمام کارگران ممکن نمی باشد. تمام کارگران از این خواست برق جانبداری میکنند.

ما از تمام کارگران و انسانهای مبارزه میخواهیم که با همبستگی خود با کارگران پروژه‌ای پالایشگاه آبادان از اخراج آنان جلوگیری نمایند، از تمام اتحادیه ها و احزاب متفرق دنیا در خواست داریم که به پشتیبانی از نفتگران ایران برخاسته و رژیم جمهوری اسلامی را برای پنیختن تمام خواسته های آنان تحت فشار قرار دهند. از تمام رفقاء خود میخواهیم که دفاع از مبارزات نفتگران ایران را در سلوله فعالیت های خود قرار دهند. باید صدای نفتگران را به کوش همه کارگران جهان برسانیم

مرگ بر رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی

حزب کمونیست ایران - سازمان اتحاد فدائیان حق ایران  
سازمان فدائیان (اقفیت) - سازمان کارگران اقتصادی ایران (دah کارگر)  
۱۹۹۸ - ۱۳۷۷ شهريور ۲۹ - ۲۹ آوت

وزارتاخانه ها را به حسابهای شخصی داده است. در جریان این انتقال وجوهات به حساب های شخصی مساله دیگری هم روشن شد و آن استفاده دستگاه دولتی از سپرده های مردم به منظور رباخواری است.

این افشاگری های جناحهای رقیب در حاکمیت، بیش از پیش به مردم نشان میدهد که سرتا پای حکومت اسلامی را فساد فراگرفته است. در دستگاه دولتی همه سران حکومت، در پی دزدی و به جیب زدن هر چه بیشتر دسترنج زحمتکشان ایران هستند. ابعاد این فساد همه جانبی به حدی است که برخی از روزنامه های رژیم از افشاگریهای بیشتر جناح های رقیب ابراز وحشت کرده و طرفهای درگیر را دعوت به آتش بس کرده اند.

روزنامه جمهوری اسلامی به " همکاران مطبوعاتی و فعالان سیاسی " "این توصیه برادرانه " را کرده است که " اوضاع و شرایط کشور و منطقه را در نظر داشته باشند و این موضوع را به دستمایه ای برای تشدید منازعات سیاسی در داخل تبدیل نکنند. "

## هشدار وزیر ارشاد به مطبوعات

اسلامی مشخص نکرد که منظور او کدام مطبوعات است. اما بر هر کس روشن است که در ایران حتی یک نشریه مخالف جدی وجود ندارد. تحت حاکمیت جمهوری اسلامی تنها آن مطبوعاتی حق انتشار دارند که رژیم جمهوری اسلامی را تایید کنند. و کمترین مخالفت جدی با تعطیل نشریات روپرتو میگردد. رژیم جمهوری اسلامی حتی به نشریات کاملاً وابسته خود نیز رحم نمی کندو اگر به حسب اتفاق انتقادی به سران حکومت در آنها درج شود، آنها را نیز تعطیل میکند. نشریه خانه از این نمونه بود. مطبوعات یومیه هم که همگی یا دولتی اند یا وابسته به یکی از جناحهای حکومت که وظیفه ای جز دفاع از رژیم جمهوری اسلامی ندارند. در این میان روزنامه توسع است که وابستگی مستقیم به جناحهای حاکم ندارد، اما این نشریه نیز وظیفه خود را دفاع از جمهوری اسلامی اعلام کرده است. تنها اختلافش هم با جناحهای دیگر در این است که کشته و مرده تاچریسم و ریگانیسم است و راه نجات رژیم را در استقرار یک سرمایه داری کاملاً وحشی و سلطه تم و تمام انحصارات بین المللی بر ایران می بیند. با این اوصاف پرواضح است که در ایران هیچ نشریه علنی وجود ندارد که در مقابله براندازی حکومت را تبلیغ کند. معرض جمهوری اسلامی و وزیر ارشاد اسلامی اش در این است که نمی توانند، برخورد و انتقاد حتی در چار چوب نظام را تحمل کنند.

## افشاگری های تازه از فساد دستگاه دولتی

رقابت و کشمکش جناحهای رقیب در حکومت اسلامی، لااقل این نتیجه مثبت را در پی داشته است که گوش های از فساد فراگیر دستگاه دولتی را بر ملا کرده است. پس از برملا شدن سو، استفاده های شهردار تهران و محاکومیت او، نوبت به جناح کارگزاران رسید که آنها نیز ضربه مقابلي به جناح رقیب وارد آورند و سو استفاده های مالی آنها را برملا کنند. لذا نوربخش رئیس بانک مرکزی طی نامه ای به خاتمی خبر از جابجایی مبلغی معادل ۳۵ میلیارد ریال از یک حساب مربوط به وزارت دادگستری به حساب دیگری به نام رازینی، رئیس کل دادگستری تهران سخن به میان آورده، و رئیس پیگیری مساله را صادر کرد. اما دستور پیگیری مساله را صادر کرد. اما دستگاه قضائی حکومت اسلامی، نه پاسخ صریحی به این مساله جابجایی ۳۵ میلیارد ریال به حساب شخصی رازینی داد و نه در مورد نحوه هزینه ۱/۵ میلیارد تومان بهره ماهانه این سپرده است و وزارت ارشاد از این محل سالانه ۱۸ میلیارد تومان به جیب زده است. با این افشا گری روشن شد که ماجراهی حساب شخصی، مختص این یا آن وزارتاخانه رژیم نمی باشد. در همه جا چنین حسابهای شخصی از آن با خبر نیست. هم در ماجراهی دستگاه قضائی و وجود دارد و جز سران اصلی حکومت کسی از آن با خبر نیست. هم در ماجراهی دستگاه قضائی و هم وزارت ارشاد گفته شد که خامنی ای در جریان امور بوده است و وی اجازه انتقال پولهای

## یاد داشتهای سیاسی

### شکاف درونی ائتلاف طرفدار خاتمی عمیق تر می شود

های رئیس جمهور چیست، گفت: "بنظرم مانع عده، کارگزاران سازندگی هستند. اینها با رفتارهای خود بر سر راه اهداف ترسیم شده توسط رئیس جمهور مانع ایجاد میکنند . . . دولت آقای خاتمی یا هر دولت دیگری از نظر کارگزاران محلی است که بعد از آن مجدداً آقای هاشمی بر سر کار بیایند. بنابر این در اکثر مسائلی که پیش می آید، اینان آقای خاتمی را درگیر میکنند تا بعد اقا هاشمی به عنوان میانجی و منجی و به عنوان شخصی فراتر از همه گراییشات بیاید اینها را آشتباه میکنند. این سیاست کارگزاران است. " کرباسچی دبیر کل کارگزاران نیز در پاسخ محتشمی، واقعیت اختلاف و درگیری را انکار نکرد و گفت کارگزاران در برخی مسائل با خود خاتمی هم اختلاف دارند. مستثنی از کشمکش و نزاع جناح ها، محتشمی میخواهد شکتهای خاتمی را به حساب کارگزاران بگذارد و کارگزاران میخواهند از شکتهای خاتمی بفع خود بهره برداری کنند. نتیجه در هر حال تشدد منازعات در میان ائتلاف طرفداران خاتمی است.

هرقدر که بحرانهای حکومت اسلامی ابعاد وسیعتری به خود میگیرند و شکست خاتمی آشکارتر میگردد، ائتلافی که اوردرا س آن قرار گرفته است، از هر سو شکاف بیشتری برمیدارد و هر گروهی دیگری را مسئول شکستها و خامات اوضاع معرفی میکند. بر چنین زمینه ای است که جنگ و جدال دو جناح اصلی ائتلاف یعنی مجمع روحانیون و کارگزاران سازندگی بالا گرفته است. جناح کارگزاران سازندگی که دست پروردۀ رفسنجانی و سیاستهای او هستند، با برخی از سیاستهای خاتمی مخالف اند، و بیشترین مخالفت را بر سر مسائل اقتصادی ابراز میدارند. اما مسائل بهمین جا نیز خاتمی نمی یابد. کارشکنی ها و درگیریهای عملی این دو جناح به یک واقعیت غیر قابل انکار تبدیل شده است. این مساله تا بدان حد حاد شده که مجمع روحانیون، علناً جناح کارگزاران را مانع عده برنامه های خاتمی معرفی میکند. محتشمی مشاور سیاسی خاتمی و از اعضاء رهبری مجمع روحانیون اخیراً طی یک سخنرانی در مجمع ائتلاف نیروهای خط امام در تبریز در پاسخ به این سوال که عده ترین مانع بر سر راه برنامه

### هشدار وزیر ارشاد به مطبوعات

جناح مسلط نیست بلکه جناح دیگر نیز برهمین اعتقاد است. عطا الله مهاجرانی اخیراً در نشست مشترک مدیران مسئول مطبوعات و مدیران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از ماجراجویی سیاسی در برخی مطبوعات سخن به میان آورد. او گفت " مقالاتی در مطبوعات به چاپ میرسد که صرفاً بیان یک اختلاف نظر نیست بلکه یک مطلب براندازانه است. " وزیر ارشاد صفحه ۱۵

این حقیقت برهمگان روشن است که در ایران، تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، چیزی به نام آزادی سیاسی وجود ندارد و نخواهد داشت. این هم روشن است که در جایی که آزادی سیاسی وجود ندارد، آزادی مطبوعات هم وجود نخواهد داشت. اما سران و دست اندکاران جمهوری اسلامی عقیده ای عکس این دارند، و از آزادی بیش از حد مطبوعات سخن میگویند. این ادعا مختص آخوندها و سران وابسته به

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرسهای سازمان ارسال نمایند.

I.W.A  
6932641 Postbank  
Holland

### شماره فکس

### سازمان فدائیان (اقلیت)

۴۹ - ۶۹ - ۵۹۷۹۱۳۵۷

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

E-Mail: info@fadaian-minority.org

<http://www.fedaian-minority.org>

KAR

Organization Of Fedaian (Minority)

No. 317 sep1998

سینکون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

I.S.V.W  
Postfach 122  
Postament 1061 , Wien  
Austria

I.S.F  
P. B. 398  
1500 Copenhagen V  
Denmark

Sepehry سوئیس  
Postlagernd 4018 Basel  
Switzerland

I.S.F  
Postbox 50057  
10405 Stockholm  
Sweden

A.A.A  
MBE 265  
23 , Rue Lecourbe  
75015 Paris  
France

P. B. 22925  
1100 DK Amsterdam  
The Netherlands